

نابود باد امپریالیسم جهانی  
بسرکردگی امپریالیسم امریکا  
وپایگاه داخلیش

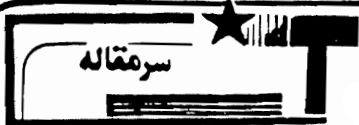
کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۸ صفحه

سه شنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۳۶۴

سال هفتم - شماره ۱۸۹



### مرگ بر جنگ

## مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی

در آخرین روزهای سال ۶۳ و آغاز سال نو در پی شکست مفتضحانه عملیات بدر که منجر به کشته شدن حدود ۳۰ هزار نفر و زخمی و معلول شدن دهها هزار تن شد، جنگ ایران و عراق وارد مرحله جدیدی گردید که همراه با تشدید و گسترش بمباران و گلولهباران شهرها و مناطق مسکونی در طرف بود. به این ترتیب بهار امسال با خون هزاران تن از کارگران و زحمتکشان، این قربانیان واقعی نظم سرمایه داری خونین تر گذشت. پیام خمینی به مناسبت آغاز سال نو، با سفیر گلوله‌های ضد هوایی و خاموشی مطلق تهران و بسیاری از شهرهای ایران توأم گردید و یکبار دیگر سیاهی و تباهی متبلور در جمهوری اسلامی راه‌نمایش نهاد. بقیه در صفحه ۲



## اطلاعیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران خطاب به کارگران سراسر ایران

ضرورت آمادگی کارگران برای رویارویی مستقیم

با رژیم جمهوری اسلامی در روز اول ماه مه ۱۱ اردیبهشت در صفحه ۳

## بررسی اشکال مبارزاتی کارگران و زحمتکشان در سال ۶۳

انقلاب با کامیابی استوار و روندی رشد یابنده به پیش می‌رود و هر روز کمی گذر بر آگاهی کارگران و زحمتکشان افزوده می‌گردد. واقعیتی است انکارناپذیر که تورم مها در گوران مبارزات و اعتراضات خود که از قیام بهمن تاکنون مداوم - علیرغم افت و خیزهایی در ادامه یافته، بر تجارب مبارزاتی خویش افزود و اندوختی و پیوسته از ۶ سال حاکمیت جمهوری اسلامی، بصاهیت این حکومت ارتجاعی و نقش فریبکارانه مذهب و تقی‌گشته‌اند اگر منحنی مبارزات کارگران و زحمتکشان را از قیام تاکنون مورد بررسی قرار دهیم، خواهیم دید که پس از یک دوره افت موقت که پس از سرکوبهای بقیه در صفحه ۴

### بیانیه کمیته مرکزی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

## در هشدار به "راه کارگر"

در صفحه ۸

## در این شماره:

○ پیام همبستگی...

○ یادداشت‌های سیاسی

○ ضمیمه خبری

## انقلاب یا رفرم؟ - ۲ -

خلاصه‌ای از بخش اول: گفتیم که اگر پاسخ نیروهای کمونیست به انقلاب قریب الوقوع و قدرت سیاسی در چهارچوب‌های عمومی و مشترک خود قرار بگیرد و از تفاوت‌های غیر اساسی صرف نظر شود، سه نظریه یا جریان متمایز از یکدیگر می‌شود. این سه جریان یا

نظریه اصلی عبارتند از:

۱- نظریه انقلاب بورژوازی موقت یا تمامی مشخصه‌های اساسی کلاسیک آن که قدرت سیاسی متناظر بان دولت بورژوازی از نوع معمول است و بورژوازی و خرد - بورژوازی باید سکان رهبری انقلاب و دولت بقیه در صفحه ۶

نامه یک رفیق به نشریه کار

"من این گل را میشناسم  
من این گل را....."

در صفحه ۱۱

### جدائی

حزب دمکرات کردستان ایران از  
شورای ملی مقاومت

در صفحه ۱۳

روز اول ماه مه را به روز تظاهرات علیه جنگ ارتجاعی تبدیل کنیم!

### مرگ بر جنگ ،

### مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی

در حالیکه جفد شوم جماران ، فرهاد جنگ و کستار و ویرانی سرد آرد ، بر تند اوم این جنگ ارتجاعی پای می فشرد مردم بجان آمده اند جنگ و سیاستهای جنایتکارانه رژیم ، شعار مرکز خمینی جنگطلب و رژیم منحوسش را زمره میگردند .

اسال عیدی جمهوری اسلامی به کارگران و زحمتکشان تنهاتشد بد فکور فلاکت و افزایش مالیاتها نبود بلکه بمباران و ویرانی و کستار و درد بدری نیز بود . بمبارانهائی که از جانب دولت های ایران و عراق بر علیه توده های زحمتکش و طرف بکار گرفته شد تا هر یک تفوق خود را بر دیگری به اثبات رساند و از بن بست کنونی جنگ رهائی یابد . چیزی که اساساً برای توده های و طرف مخصوصه هیچگونه منافعی در بر نداشت و تنها کستار هر چه بیشتر توده های محروم و زحمتکش ، خانم خرابی و آوارگی آنان را تاکنون به ارمغان آورده است . زیرا که بریا کنندگان جنگ از آنچنان امکانات رفاهی و امنیتی برخوردار هستند که هیچگونه نصد مه ای متوجه انسان نگردد .

بیش از دو هفته بمباران و گلوله باران شهرهای ایران هر چند اجساد شتافته گان جنگ را به قربانیان مناطق مسکونی پیوند زد و تحت پوشش قرارداد و یکی از اهداف رژیم راتحاد و دی تا مین کرد ، اما اعتراضات و تظاهرات توده های در مناطق بمباران شده ، رژیم را بشدت زیر ضرب برد . حتی علی رغم ادعاهای تسخیر امیز رفسنجانی و دیگر سردمداران رژیم که مدعی شدند مردم در پی نقاط ایران در متن جنگ قرار گرفتند و از بمبارانها استقبال کردند و برخلاف انتظار آنان که بقول خودشان درهای بهشت گشوده شده تا عاشقان شهادت یشتابند ، مردم با شعارهای کوبنده ضد جنگ ، مشت محکم برد هان این یاوه گویند کوبیدند .

تظاهرات مردم بروجرد ، خرم آباد ، باختران ، تبریز و تهران و دستگیری های گسترده ای که در شهرستانهای تهران صورت گرفت که تنها در منطقه ولت آباد به ۱۰۰ نفر میرسد ( علی رغم تشدید جویلیسی و محاصره سرخه مناطق بمباران شده ) آنچنان زمینه های بروز یک طغیان توده ای را فراهم آورد که نه تنها مردم در آن رژیم که امپریالیسم جهانی سرگرد کی امپریالیسم امریکار نیز بشدت وحشت زده گرد تا آنجا که سرانجام در بیگل سازمان ملل راهی ایران و عراق نمود ، وظیفه او بازگرداندن اوضاع به وضعیت قبل از بمبارانهای معنی همان وضعیت نه جنگ و نه صلح بود .

امپریالیست ها ناآنجابه ادامه جنگ راغبند که اساساً رژیم جمهوری اسلامی مورد تهدید قرار نگیرد و از آنجا که بمبارانها این خطر را

به همراه داشت یعنی زمینه های گسترش یک جنبش عظیم ضد جنگ و ضد رژیم را فراهم میکرد آنها به تکاپو افتادند تا از این خطر جلوگیری کنند . رژیم جمهوری اسلامی به دلیل سرکوبهای فاشیستی خود نه تنها مناسب ترین رژیم در شرایط کنونی برای امپریالیست ها محسوب می شود بلکه از آنجا که ایران هم اکنون یکی از مهره های زنجیر امپریالیستی پیمان سنتو است ، هرگونه درگونی و تحول انقلابی در ایران ، می تواند در کشور دیگر این پیمان یعنی ترکیه و پاکستان را نیز یاد شواری پنهانی مواجه سازد و منافع امریکا را در این دو کشور دست نشاند باخطر جدی رو بر نماید . پس بی جهت نیست که تشدید اعتراضات توده ای بر علیه جنگ و سیاستهای ارتجاعی رژیم پیوسته در جریان گسترش که زمینه برآمدی گسترده را فراهم میکند این چنین امپریالیستهارا به وحشت افکند ، است . چرا که سقوط جمهوری اسلامی نفعها منافعی مستقیم امپریالیست جهانی را در خطر قرار میدهد بلکه در رژیم دیکتاتوری پاکستان و ترکیه رانیز که از قبل جمهوری اعلی و علا و بر منافع اقتصادی ، موقعیت استراتژیک مناسبتری یافته اند نیز در خطر قرار میدهد . امپریالیسم جهانی با ادامه جنگ در حد " نه جنگونه صلح " و تا آنجا که توازن قوای طرفین حفظ شود مخالفتی ندارد زیرا علا و بر منافع کلانی که از فروش تسلیحات به جیب میزند ، اینرا نیز دریافته است که حیات این رژیم باند اوم جنگ گره خورده است اما یک جنگ محدود . جمهوری اسلامی تمامی ناسامانیهای موجود را در سایه جنگ توجیه می کند ، گشتارها ، سرکوب ها و اعد اسرار را در لولای جنگ می پوشاند و جیب سرمایه داران داخلی و بین المللی هم از قبل برکات جنگ انباشته میکرد و صنایع تسلیحاتی هم به کار پر رونق خود تند اوم می بخشند . تا زمانی که این جنگ خطرسقوط رژیم راه همرامند داشته باشد برای آنان قابل تأیید و ستایش است و در تصور آن می دمنند . پس بی جهت نیست که در بیگل سازمان ملل هیچگونه پیشنهاد خاصی برای صلح ندارد و نمی تواند داشته باشد و تنها برای " تبادل نظر " و ارائه رهنمود های امپریالیستی مبنی بر ادامه جنگ فرسایشی و وضعیت نه جنگ و نه صلح با ایران و عراق میاید و بلافاصله نیز وضع بحالت مورد نظر ر میاید . اگر تاکنون مساله جنگ و ادامه آن بمشابه نقطه قوت رژیم و عاملی جهت حفظ موجودیت آن بود و اکنون بصورت نقطه ضعف و آسیب پذیر جمهوری اسلامی در آمده است . اینرا بسیاری از رهبران رژیم دریافته اند و اختلافات درونی رژیم بر سر ادامه یا قطع جنگ نیز از همین زاویه پیروز گردیده است . بن بست که رژیم در آن گرفتار آمده است نه در پایان یافتن جنگ و نه در ادامه آن که تنها و تنها در سرنگونی رژیم قابل درهم شکستن است . مردم از جنبش و مصائب آن بستموده آمده اند . حتی اگر تشدید

بمبارانها نیز بوقوع نمی پیوست ، روند اینجبار از جنگ بسرعت نصح می گرفت . اما وقایع نیمه اول فروردین تنها بسرعت آن افزوده است رابطه تند اوم جنگ و موجودیت رژیم برای کارگران و زحمتکشان کاملاً روشن و ملموس گشته است . آنها بخوبی دریافته اند که این رژیم بدون جنگ نمی تواند بحیات خود ادامه دهد . امروز کریم فرد اقدس و یوز دیگر منطبق دیگری و هیچ پایانی هم بران تصور نیست . بی جهت نیست که با درک این واقعیت توده ها از رژیم طلب صلح نمی کنند . آنها شعارهای ضد جنگ را به درستی و مبتنی بر واقعیت بشعار سرگبیر خمینی و رژیم منحوسش پیوند زد ه اند و اینتراد اعتراضات و تظاهرات ضد جنگ تاکنون بخوبی نشان د اد ه اند و همین جهت جنگا ارتجاعی میورد تا به آسیب پذیرترین نقطه و پاشنه آشیل رژیم تبدیل شود . از اینرو شعار " برای برقراری صلحی دموکراتیک ، جنگ ارتجاعی را بکنند داخلی بر علیه رژیم تبدیل کنیم " که از سوی سازمان مامطرح شده است ، اصولی ترین شعار ممکن بوده و اکنون مضمون آن به اید و ملموس توده ها تبدیل شده است . اکنون آنچه باید برای توده های بجان آمده از جنگ از سوی پیشاهنگ انقلابی طرح شود چگونگی پیشبرد و تحقق این شعار است . گفتم توده ها در شعارها و تظاهرات خود ، شعارهای ضد جنگ را خود بطور غریزی بنا شعار سرنگونی رژیم گره زد ه اند . حاله باید گفت این سرنگونی چگونه و بجهت صورت ، متحقق میگردد . باید مساله سازماندهی توده ها ، کمیته های محلی اعتصاب و هسته های مقاومت وسیعاً تبلیغ شده و عملاً نیز رجعت تشکیل آن اقدام گردد و پایبای انالتراتیو انقلابی یعنی شوراهای کارگران و زحمتکشان و جمهوری دموکراتیک خلق بمشابه مظهر حاکمیت کارگران و زحمتکشان وسیعاً تبلیغ گردد . باید این واقعیت را که تنها صلح در موکراتیک توسط چنین حاکمیتی قابل تحقق است برای توده ها آشکار گردد . باید یسه آنان تفهیم شود که اساساً " جنگ جز متفکک ناید بر جامعه طبقاتی است . جنگ ادامه سیاست طبقات حاکم است و نفع طبقات حاکم بریامی شود تا توده ها را سرکوب کنند ، و جیبهای خود را از قبل آن سر نمایند . پس تا زمانی که نظام طبقاتی حاکم باشد جنگ ادامه خواهد یافت چه جمهوری اسلامی باشد و چه یک رژیم سرمایه داری دیگر و قربانیان آن نیز در هر حال کارگران و زحمتکشان هستند . از اینرو باید شعار سرنگونی رژیم باشعار جایگزینی رژیم انقلابی کاملاً مترادف گردد . باید با این اید که رژیم برود حال هر چه شد و هر که آمد بهتر است ، مبارزه کرد و ماهیت تمامی رژیم های سرمایه داری را که اکنون در رنگ و لعابهای گوناگون خود را پوشاند ه اند برای توده ها روشن نمود . باید شعار مرکز سر بقیه در صفحه ۱۵

برای برقراری صلحی دموکراتیک ، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

### ضرورت آمادگی کارگران برای رویارویی مستقیم با رژیم جمهوری اسلامی در روز اول ماه مه ۱۱ اردیبهشت

## اطلاعیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران خطاب به کارگران سراسر ایران!

روزها همانند تمام کارگران سراسر جهان تعطیل اعلام کنند و با شعارهایی بپردازند. جنگ ارتجاعی و ولت‌های ایران عراق که یکی از شرکات نکبت بار و فجایع جدید نظام سرمایه داری است دست بمظاهرات خیابانی بزنند.

کارگران سراسر ایران! قدرت، توان، آگاهی و همبستگی طبقاتی خود را در مبارزه علیه نظام سرمایه داری، در تعطیل روز اول ماه مه برای تظاهرات ضد جنگ بنمایش بگذارید. به مرتجعین حاکم برایان نشان دهید که در برابر قدرت و اراده لایزال کارگران، هیچ نیروی را یاری مقاومت و برابری نیست. کنگره هواداران سازمان از هم اکنون باید تبلیغات وسیع و پراکنده ای را در میان کارگران برای خواباندن تمام کارخانه‌ها و موسسات در روز اول ماه مه این روز همبستگی جهانی کارگران آغاز کنند و با نوشتن شعار و خوشی تراکت و اعلامیه در کلیه مراکز و محلات کارگری، عموم کارگران ایران را تعطیل کردن این روز و تظاهرات ضد جنگ فراخوانند.

کارگران سراسر ایران! روز اول ماه مه ۱۱ اردیبهشت در حال فرارسیدن است. در این روز میلیونها کارگر در سراسر جهان، بیداری و آگاهی طبقاتی و همبستگی مبارزاتی شان را علیه نظام سرمایه داری، ستم و استثمار جشن میگیرند.

کارگران سراسر جهان در این روز، دست از کار می‌کشند، تولید را در هم می‌شکند می‌سازند و قدرت و توان عظیم خود را در برابر دنیای سرمایه، دنیای ستم و استثمار و بندگی بنمایش می‌گذارند و کلیه مرتجعین سراسر جهان نشان می‌دهند که دوران حکومت آنها به پایان رسیده است.

طبقه کارگر ایران نیز بعنوان یک گردان از ارتش جهانی طبقه کارگر، باید از هم اکنون خود را برای برگزاری هرچه باشکوهتر این روز تاریخی آماده کند.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی این بارزترین تجلی بنمکرگی‌های نظام سرمایه داری، که ابتدائی‌ترین حقوق انسانی را نیز از عموم توده‌های زحمتکش مردم ایران سلب نمود، هر طبقه کارگر را از حقوق صنفی و سیاسی خود محروم نموده است حتی تعطیلی روز اول ماه مه، این دستاورد مبارزاتی کارگران را ملغی نموده و سال گذشته از کارگران ایران خواست که بر سر کار حاضر شوند. اما اسال کارگران ایران از هم اکنون باید خود را برای رویارویی مستقیم با رژیم جمهوری اسلامی در این روز آماده کنند. کارگران ایران باید این روز را به عرصه قدرت نهایی خود علیه سرمایه داری و رژیم پاسدار نظام سرمایه داری تبدیل کنند. کارگران سراسر ایران باید در روز اول ماه مه در سراسر ایران، دست از کار بکشند، تولید را متوقف سازند، این

روز ششم فروردین ماه، سازمان ما طی یک اطلاعیه، از کارگران سراسر ایران خواست که با نزدیکی شدن روز اول ماه مه، روز همبستگی کارگران سراسر جهان پر مبارزه علیه نظام سرمایه داری ستم و استثمار، از هم اکنون خود را برای رویارویی مستقیم و آشکار با رژیم جمهوری اسلامی در این روز آماده کنند. رژیم جمهوری اسلامی، این رژیم پاسدار سرمایه که طی بیش از ۶ سال حکومت جابرانه و ستمگرانه خود پیوسته در تشدید و خامت شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان ایران افزود، اکنون جامعه را بسوی فلاکت و از هم گسیختگی کامل و توده مردم را به فقر و خانه خرابی سوق داده است. این رژیم استثمار کارگران ایران را تشدید نموده و بر خامت وضعیت طبقه کارگر افزود، سطح بسیار نازل دستمزدها کارگران، وضعیت اسفبار شرایط و امنیت محیط کار، اردوی چند میلیونی بیگاران، همه و همه بازگوکننده وضعیت و شرایط اسفبار زندگی کارگران ایران است.

رژیم جمهوری اسلامی، در عرصه سیاسی نیز همانند عرصه‌های اقتصادی ستمگری سیاسی نسبت به توده‌های مردم را که حتی حقوق مدنی را نیز از آنها سلب کرده است به اوج خود رسانده است و با استقرار پکاتوری عربان و عساکر گسیخته، ابتدائی‌ترین حقوق و آزادیهای سیاسی را از عموم توده‌های مردم سلب نموده است. این رژیم با ادامه سیاستهای ارتجاعی خود، جنگی ارتجاعی را شعله‌ور ساخته است که تمامی مصائب و فشارهای ناشی از آن بر دوش کارگران و زحمتکشان قرار گرفته است. این رژیم، سیاستهای ارتجاعی خود را تا حد انجا پیش برده است که حتی تعطیلی روز اول ماه مه را که دولت‌های ارتجاعی بورژوازی سراسر جهان نیز مجبور به پذیرش آن شده‌اند ملغی نموده و سال گذشته از کارگران ایران خواست که در روز اول ماه مه نیز بر سر کار خود حاضر شوند. هرچند کارگران ایران سال گذشته در برابر این سیاست ارتجاعی رژیم ایستادگی نمودند و به شیوه‌های مختلف به مقابله با این تصمیم دولت حامی سرمایه داران برخاستند اما از آنجائیکه کارگران آمادگی لازم را برای مقابله متحد و متشکل نداشتند، اعتراضات کارگران نتوانست رژیم را به عقب نشینی قطعی وادار کند. اما اسال کارگران باید اکنون خود را آماده کنند که این روز را همانند کارگران سراسر جهان به نشان اتحاد و همبستگی جهانی کارگران علیه سرمایه تعطیل کنند زیرا آمادگی کارگران و عزم آنها به مقابله با رژیم در اول ماه

زند و با همبستگی و بیداری طبقاتی کارگران سراسر جهان  
زند و با عزم و اراده خلل ناپذیر کارگران  
بمسرتکونی نظام طبقاتی سرمایه داری و استقرار  
سوسیالیسم  
سرنگون بساد رژیم جمهوری اسلامی  
برقرار باد جمهوری موزکراتیک خلق  
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
ششم فروردین ماه ۱۳۶۴

بهانه جنگ، استثمار کارگران تشدید شده است. با افزایش مداوم قیمت کالاها و ما به محتاج روزمره، مزد های واقعی، بیوسته کاهش یافته است. با ارضای مالیاتها و هزینه‌های مختلف جنگی بردوش کارگران است. کارگران را به زور به محبسه‌های جنگ می‌برند و میلیونها تن از کارگران در زمره آوارگان جنگی اند. طبقه کارگر که فشار اصلی این جنگ ارتجاعی بردوش اوست باید اکنون که در امانه اعتراضات علیه جنگ وسعت یافته است و در تعدادی از شهرهای ایران تظاهرات ضد جنگ صورت گرفته است، در روز اول ماه مه، با برپایی تظاهرات ضد جنگ، پیشگامی خود را در تمامی عرصه‌های مبارزه نشان دهد. در این میان وظیفه بسیار سنگین تری بردوش کارگران پیشرو و کلیه اعضا و بقیه رصفحه ۱۶

مه، یا رژیم را از هم اکنون به عقب نشینی وادار خواهد کرد و آنرا مجبور خواهد ساخت که از قبل، این روز را تعطیل اعلام کند. در این حالت کارگران در مبارزه خود علیه رژیم به پیروزی بزرگی نائل آمده‌اند، یا اینکه رژیم همچنان از به رسمیت شناختن تعطیلی روز اول ماه مه سر باز خواهد زد که در این حالت نیز کارگران با حرکت متشکل، متحد و آگاهانه، از رفتن به سر کار سر باز می‌زنند و رژیم را در حین نبرد به عقب نشینی وادار می‌کنند. در هر دو حالت طبقه کارگر ایران قدرت توان و عزم و اراده خود را به مبارزه علیه نظام سرمایه داری بنمایش گذاشته است. علاوه بر این کارگران ایران آن طبقه‌ای هستند که جنگ ارتجاعی دولت‌های ایران و عراق بیشترین فشار را بر آنها وارد آورده است به

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

### پروسی اشکال مبارزاتی...

خونین سال ۱۳۶۰ در مبارزات تود مهابد آمد ، از سال ۱۳۶۱ مدام بررشد مبارزات تود مهابد افزوده شده است . بویژه اخبار گزارشات دریافت شده در طول سال ۶۳ حاکی از آنست که يك ارتقا کیفی در مبارزات تود مهابد زحمتکش بویژه کارگران مشاهده می شود که این خود ناشی از رشد آگاهی آنانست و ما در این جمع بندی سعی خواهیم کرد که این امر را به عینه نشان دهیم . هرچند که این جمع بندی قطعا بیانگر و منعکس کننده کل مبارزات تود و میزان اخبار گزارشات دریافت شده بدلیل شرایط سرکوب و خفقان حاکم و محدودیت نسبی ارتباطات - جهت مانع از ضربات - شامل کل حرکات و اعتراضات کارگران و زحمتکشان نیست ، اما رعین حال می تواند تا حدودی ماراد رجریان سپر رشد یابنده و متحول این مبارزات قرار دهد .

این مقاله در دو قسمت جداگانه تنظیم شده است : بخش اول مقاله که در این شماره به چاپ رسیده به ذهنیت کارگران و زحمتکشان نسبت به مسائل گوناگون از جمله جنگ ، گرانی و مشکلات اقتصادی و رابطه آن با حاکمیت ، برخورد تود مهابد با انتخابات فرمایشی رژیم و ذهنیت آنان نسبت به مذهب اختصاص دارد . همچنین در این بخش ذهنیت کارگران نسبت به مشکلات و مسائل مشخص کارگری به تصویر کشیده شده است . در بخش دوم مقاله که در شماره آینده نشریه به چاپ خواهد رسید روند مبارزات کارگران و زحمتکشان در سال ۶۳ و وضعیت کمونی ، خواسته های کارگران و زحمتکشان و شیوه های سرکوب رژیم و نتایج مبارزات آنان و بالاخره مقایسه مبارزات کارگران و زحمتکشان در سال ۶۳ مورد بررسی قرار خواهد گرفت .

۱- ذهنیت کارگران و زحمتکشان نسبت به جنگ ارتجاعی : ماهیت جنگ ارتجاعی ایران و عراق اکنون دیگر برکنترکسی پوشیده مانده است . این جنگ که جز فقر و فلاکت ، آوارگی بی خانمانی و کشتار ، حاصلی برای تود مهابد نداشته است ، اگر در لغاز ، برای رژیم عامل مهمی در جهت تحکیم موقعیتش بود ، اکنون به نقطه ضعف و آسیب پذیر رژیم تبدیل شده است . بویژه طی سال ۶۳ در روزهای آخر سال که بیماری های هوایی تشدید گردید ، اعتراضات علنی و آشکار تود مهابد ابراز نگشت . اکنون دیگر بجز مزدوران و جبرمخواران ، این جنگ موافق ند ارد حتی در صفوف مزدوران از جمله ر اوطنیین " طرح لبیک یا خمینی " مخالفت با شرکت در جنگ مشاهده می شود و همچنین در موارد بسیاری فرار از جبهه ها در سطوح افسد اران و بسیجی هانیز بد شده است . اکنون تود مهابد رستی دریافت اند که

تنه راه پایان بخشیدن به جنگ و سرنگونی رژیم است و در تمامی محافل کارگری و تود های صحبت از بیحاصلی جنگ و قدرت طلبی رژیم ... است . نمونه گزارشاتی که در زیر می آید خود بیانگر رسوائی رژیم و نفرت تود مهابد از این جنگ ارتجاعی است : از نمونه گزارشات کارگری از برخورد کارگران به هفته جنگ آغاز می کنیم :

در سالگرد آغاز جنگ ، رژیم سعی کرد با فریب و نیرنگ کارگران را به کار بیشتر وادارد تا بخشی از مخارج جنگ ارتجاعی اش را از این راه و تحت عنوان روز " نبرد اقتصادی " جبران نماید اما این سیاست رژیم با شکست نسبی مواجه گردید و برنامه های تبلیغی رژیم با بی اعتنائی کارگران روبرو شد . " بیسکویت گرجی " - بمناسبت هفته جنگ يك روز بعنوان " نبرد اقتصادی " نام گذاری شد و گفتند باید يك روز کار برای جبهه بکنید . کارگری می گفت عجب نبرد اقتصادی ای می من که اصلا کمکی به اینها نمی کند که جنگ را ادامه بدن . آنها می گن برای حفظ اسلام می جنگن اما برای حفظ خود شون می جنگن : در این کارخانه در مجموع کارگران جنگ را عامل فلاکت خود می بینند ( بجز چند مورد ) اما تعدادی از کارگران فراتر رفته و پایان جنگ را با سرنگونی رژیم پیوند می زنند .

" جامکو - بمناسبت هفتجنگ از کارگران خواستند يك روز حقوق خوابگاه به جبهه بدهند که از کل ۵۰۰ کارگر ۳۰۰ کارمند این شرکت تنها ۲ نفر که ۶ نفر انجمن اسلامی و بقیه سحافه کار بودند حاضر به پرداخت این پول شدند . همچنین انجمن اسلامی از کارگران خواست که تولید را بالا ببرند که نتیجه منفی بود یعنی امروز تولید تغییری نکرد ."

تولید ارو - روز شنبه ۷/۳ بخشنامه ای مربوط به اضافه کاری اجباری یکساعته به نفع جنگ و نماز وحدت از بلند گخوانده شد . همه با نارضایتی و ترس از اخراج به یکساعت اعتراض کاری نکردند اما در نماز وحدت شرکت نکردند .

" در کارخانه مسلسل سازی بمناسبت هفته جنگ ، شخصی بنام حجت الاسلامی سخنانی کرد . این سخنانی با آبروریزی سخنان بعد م شرکت کارگران مواجه شد ."

" شیروگاه بزرگ اصفهان - انجمن اسلامی دیواری را سفید کرده بود تا شعار بنویسد اما قبل از آن این شعار برد یوارنقتر بست : جنگ جنگ ، کو پیروزی ، ظلم و ستم امروزی شده بیشتر از دیروزی ."

بانشد بد بیماران های هوایی در آخرین روزهای سال ۶۳ اعتراضات نسبت به جنگ شدت بیشتری گرفت بطوریکه علاوه بر شهرستان های چون بروجرد و تبریز که تظاهرات ضد جنگ برپا شد در خرم آباد نیز چنین حرکتی در شرف شکل گیری بود که بلافاصله ۳۰ نفر دستگیر شدند . همچنین در تهران بهد نبال هر بیماران در کوچه ها و

خیابان و در تاکسی و اتوبوس بمخمنی و رژیمش بعنوان مسبب جنگ و بیماران ها قحش می دادند . در دولت آباد تهران پس از بیماران ، مزدوران رژیم طبق معمول در محل اجتماع کرده و شعار جنگ جنگ تا پیروزی سرد اند که مردم زحمتکش محل به انسان حمله ور شد مو یک پاسدار را نقد رکن زدند که به بیمارستان منتقل شد . در دیگر نقاط تهران نیز شعار مرگ بر خمینی جنگ طلب داده شده است . همچنین يك زن زحمتکش ۵۰ ساله می گفت : " تا وقتی خمینی رهبر ماست ، جنازه بر سر ماست " . مخالفت با جنگ ارتجاعی همچنین در تسخر شعارهای رژیم نیز متبلور می گردد بعنوان نمونه در گزارشی آمده است " مردی می خواست سوار اتوبوس شود ( در جاده ) از راننده پرسید مقصد کجاست ، راننده گفت گریلا ، سواری شوی ؟ مسافرین ضمن خنده و تمسخر گفتند اگر مقصد کبریلاست ترمز کن تا مایاده شویم ."

نفرت از جنگ در نفرت از پاسداران مجروح که مهرشکت در جنگ برپیشانی آنها و در نقض عضو تجلی یافته نیز چشم می خورد . در صف نانوائی ، يك مجروح جنگی که پاسدار بود میخواست نان خارج از نوبت بگیرد ، شاطر اعتراض کرد و مردم بمحامتش برخاستند مجروح که باهاش راز دست داده بود گفت من بخاطر شما پیام راز دست دادم ، مردم وشاطر یکصد گفتند غلط کردی ..."

راننده وانت بار می گوید :

" ... میدونی آقا چرا جنگ را تمام نمی کنند ، آخه میترسند همان روز سقوط کنن . فکرش را بکن ، این جنگ را برای مشغول کردن مردم راه انداختن . مخالفت با جنگ حتی در سطح مزدوران رژیم نیز طی سال ۶۳ ابعاد گسترده تری به خود گرفت و در صفوف مشمولین جنگ و یا مشمولین ناراضی از جنگ که به زور به جبهه ها فرستاد شده اند نیز موارد بسیاری از فرار از جبهه ها مشاهده شده است . بر اساس گزارشات رسیده طی سال گذشته تنها از یازدهگان بیستون کرمانشاه ۴ نفر از سربازان که یکسال از خدمت خود را انجام داده بودند از جبهه گریختند و همچنین چند مورد فرار از جبهه ها در منطقه سرپل ذهاب و ایسادهان مشاهده شده که سربازان پس از رفتن به مرخصی هرگز بازنگشتند . علاوه بر این موارد ، گزارشات موثقی مبنی بر خود زنی یعنی شلیک به خود دریافت شده است و موارد متعددی از بیماری های روانی و ابتها هر به بیماری های روانی بد شده است . همچنین بر طبق گزارشاتی بمنقل از سربازان مستقر در جبهه مجنون ، رژیم برای حفظ نیروهایش در این منطقه به حشیش و مواد مخدر متوسل شده است ."

تعداد فراریان مشمول سربازی نیز ابعاد فوق العاده گسترده ای یافته ، بطوریکه رژیم علاوه بر مرد و رخشنامه های شداد و غلاظت ، گشتبانی را در خیابانها و بقیه رصفحه ۵

۴۰ ساعت کار، دو روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است



## پروسی اشکال مبارزاتی کارگران

جادوها به امر دستگیری جوانان فراری از سرپای اختتام رسیده است.

در رابطه با مخالفت پاسد اران و سبجی از شرکت در جنبه‌ها نیز گزارشاتی دریافت کرده ایم. طبق یک گزارش: تعدادی حدود ۱۰۰ تن از مزدوران پاسد ار رژیم در میانه استعفا کردند. و از رفتن به جنبه خودداری نمودند آنها گفته اند بیکری است مایه جهت به جنبه‌ها برویم و کشته شویم و بعد از ما زنهایمان را کسری بگری صاحب شود و رژیم هم به آنها گفته است یا باید به جنبه بروید یا به زندان. گزارش دیگری مبنی بر اینکه تعدادی از پاسد اران در زندان رشت بازداشت هستند نیز دریافت کرده ایم که علت آن مخالفت از شرکت در جنبه‌ها بوده است. اخیراً کشت دربان سپاه پاسد اران نیز بوجود آمده که وظیفه اش دستگیری پاسد ارانی است که از جنبه‌ها فرار کرده و یا به مرخصی آمده و دیگر بازنگشته اند. علاوه بر این در صفوف بسیجی‌ها و نیروهای طرح لیبک یا خمینی نیز مخالفت با شرکت در جنبه مشاهده شده است.

در سال گذشته در طرح لیبک یا خمینی در شهر کرج ۳۰۰۰ نفر نام نویسی کردند. اما وقتی از همان تعداد خواسته شد که در مانور هفته جنگ شرکت کنند تنها ۲۵۰ نفر شرکت کردند.

در میان حزب اللهی‌ها و طرفداران رژیم نیز آنجا که منافع مستقیم آنها با خطر می افتد مخالفت‌هایی با جنگ بروز می‌کند. زن ۵ ساله‌ای که قیلا از طرفداران رژیم بود و اکنون به سرش در جنبه است می‌گفت:

میخواهم بروم خیابان و مثل دیوانه‌ها هر چه در دل دارم فریاد بزنم بگویم این پیر سنگ (منظور خمینی) از جوانهای مردم چه میخواهد. اصلاً جنگ برای چه بود و چرا تمام نمی‌کند.

بهررو ابعاد مخالفت با جنگ ارتجاعی به اشکال مختلف بروز می‌کند و این مخالفتها در زمینه‌های مختلف مشاهده می‌شود.

۲- ذهنیت کارگران و زحمتکشان نسبت به مصائب و مشکلات اقتصادی اجتماعی و رابطه آن با حاکمیت:

در سال ۶۳ گرانی و فلاکت عمومی ابعاد فاجعه‌انگیزتری بخود گرفت. بویژه مساله گرانی و کمبود ما محتاج عمومی و افزایش مالیاتها توده‌های مردم را شدیدا تحت فشار قرار داده است. در هر صفت و در هر کجوه و - خیابان و یا در کارخانه و اداره و محله صحبت از مشکلات اقتصادی و مسبب آن رژیم جمهوری اسلامی است. طی سال ۶۳ نارضایتی عمومی از رژیم و مصائبی که به پیکار آورده است بیش از پیش شکل علنی و آشکار بخود گرفته بود و موج سرکوب و ارباب‌گشتر می‌توانست مانع از آن گردد که توده‌ها رژیم

را زیر ضرب نبرند. اکنون در کارخانجات، ادارات، مدارس و... شعار مرگ بر خمینی، مرگ بر سرمایه‌دار، مرگ بر بزرگ و مرگ بر خمینی جنایتکار هرروزه نقش می‌بندد و هنوز این شعارها پاک نشده شعارهای جدید اضافه می‌گردد. خشم و نفرت از رژیم حاکم را به بهترین وجه می‌توان در صحبت‌های کارگران و زحمتکشان جستجو کرد:

کارگر ۳ ساله کارخانه پارس مثال با ۱۰ سال سابقه کار می‌گوید:

" پنج صبح از خانه بیرون میروم و شب برمیگردم تمام این زحمات را بخاطر رفاه خانواده می‌کنم. اما وقتی بمخانه می‌ایم می‌بینم بچه‌ها تهوای گرم بدون برق و وسائل رفاهی هر کدام گوشه‌ای نر زرد اند و یاد رخاک غوطه‌ورند مگر با روزی ۱۴۰ تومان یک خانواده چند نفری بهتر از این می‌شود؟"

راننده شرکت واحد می‌گوید: "حالا که دولت بهمانی رسه منم خوب کار نمی‌کنم. کارگر برق کار وزارت نیرو ۷ سرعائله دارم و ۱۵ سال سابقه کار هنوز ۳۶۰۰ تومان میگیرم حتی با اضافه‌کاری زندگس ام نمی‌گذرد و کارگر دیگری کار ضمنی است حرفهای همکارش می‌گوید: "وقتی تو کلسی این فلان... وزیر کار بود هر کسی میرفت شنایت کار فرما را بکنند یا از اضافه حقوق صحبت میکرد بلافاصله او را زندانی میکرد تا جائیته ۸۳ نفر از کارگران در زیر زمین وزارت کار زندانی بودند. البته وقتی جریان برملا شد گفتند اومقصر نیست معاونش این کار را کرده در گزارش دیگری آمده: "دیماه خیابان تهران نبود - در یکی از مساجد ماهی برای فروش آورده بودند و مردم برای خرید ماهی صف بسته بودند. کارکنان مسجد ناگهان در را بستند و گفتند در ساعت دیگری می‌توزیع می‌شود. اما زنهای طرف در مسجد هجوم بردند و گفتند شما می‌خواهید ماهی‌ها را جدا کنید و درشتها را برای خودتان بردارید باید همین حالا ماهی بدهید. سرانجام با پگیری توانستند ماهی را بگیرند. در صف پرداخت عوارض مالیاتی، اسفند ماه، یوسف آباد تهران - مردم ۴ سالیه می‌گوید:

" این بی شرفها پدر ملت را در آورند. همشون دزد سرگردنه هستند. فقط بلدند مردم را بچاپندند در همین حین آخوندی که خارج از نوبت می‌خواست کارش را راه ببیند از با معانیت مردم مجبور شد در نوبت بماند به دنبال آن فحش به رژیم و عوام‌لش شدت بیشتر گرفت."

"رابطه کریم شهریار - واقعه در جاده ساوه - دیماه - یکی از پیشموران جز که مغازه شیشه‌بری دارد، در اعتراض به احضار یسه مالیاتی به شهر اری آمد. شهر اری سبجی ۲۱ ساله به او گفت بدهی شما ۴ هزار تومان است که ۲۵ هزار تومان بابت عوارض مالیاتی و ۱۵ هزار تومان عوارض شهر اری است. شاخچه لفظی بالا گرفت پیشه‌ور گفت: من جقدر درآمد دارم که اینهمه باید پرداخت کنم. من شیشه را به قیمت دولتی می‌خرم و به قیمت دولتی می‌فروشم. سرانجام عبال رژیم

در حالت کردند و به شیشه بر حمل‌ور شده و با قند ای تفنگ‌ها و اضراب ساخته، مرد موسیحا تجمع کرده و به کمک زدن او اعتراض کردند و پاسد اران سریحا پیشه‌ور زحمتکش را بردند. در این میان حتی حزب اللهی‌های داخل جمعیت از حرکت و حشمانه پایید اران اظهار تنفر می‌کردند و می‌گفتند اینها بروی اسلام را بردند.

در ارتباط با مسائل گوناگون اقتصادی که رژیم به انحاء مختلف تود مهارا تحت فشار قرار میدهد مساله خودگهائی در دستگاههای مختلف دولتی و از این طریق فشارهای اقتصادی که هرچه بیشتر تودها تحمل می‌کند، شدت نفرت آنان را از رژیم برانگیخته است:

یک کارگر صنعتی می‌گوید:

"دیگر آبروش برای اینها نمانده، همه چیز از دستشان در رفته و نمی‌توانند تود را مهار کنند و همه مالیاتها را از ما کارگران میگیرند که ۶۳/۵ تومان حقوق ماست و از بازاری و سرمایه‌داران نمی‌گیرند و یکی دیگر از کارگران می‌گوید: "تا زدی می‌خواهند شرکت واحد را بصورت تعاونی در آورند و ولایت را گرانتر کنند و از سال دیگرید رما درها باید به آموزش و پرورش هم پول بدهند. سپس در این جمع کارگری صحبت به گرانی کشید و کارگری می‌گفت دولت گوشت کیلویی ۷۵ تومان را رسماً جایگزین گوشت گوسفینی کرده که آنرا هم ماهی یکبار به هر نفر ۳۰۰ گرم میداد."

در همین رابطه مردی ۳۲ ساله در اتوبوس می‌گوید: "در برخوردتندم، دیکه اعصاب خرد شده، آحمق قدر آدم تحمل دارم مثلاً پنج کیلو گوشت گرفتند اشاره به گوشتی که خریدم ۲ کیلو ش چربیه تازه این گوشت آزاد کیلویی ۷۵ تومنه که خود شون می‌دن، در ولتیه."

کارگری که توسط فرزندش نامه‌ای دریافت کرده بود که بعد رسه کمک کنند می‌گفت به بچه‌ام گفتم که ۱۰ تومان کافی است بگو این ۱۰ تومان یک ششم حقوق پدر من است و باید تازه ۱۵ تومان روی حقوقم بلد دارم تا بتوانیم یک کیلو گوشت دولتی بخریم."

لازم به توضیح است که اخیراً رژیم به دلیل کمبود بودجه و نابسامانی اقتصادی، فرمایشی جایی به اولیا، دانش‌آموزان (اعم از راهنمایی و ابتدائی) در موازات خانواده‌ها خواسته است که برای کمک به تممیرات مدارس و ساختن بوفه و آزمایشگاه، میزان کمک خود را در فرمها نوشته و به همراه پول ارسال دارند. از شیوه‌های دیگری که آموزش و پرورش برای جپاول زحمتکشان به کار می‌گیرد بختن این نذری است که موادش توسط دانش‌آموزان آورده می‌شود و آش پخته شده نیز به همین دانش‌آموزان فروخته می‌شود!

مساله گرانی کلیه اقشار زحمتکش راحت شدیدترین فشارهای اقتصادی قرار داده است. علاوه بر کارگران که در ستمز ناچیزی دارند کارمندان نیز شدت در رنجند.

کارمندی می‌گوید: "حقوق کارمندی به انداز گراه خانه هم نیست چه برسد به اینکه آدم بخواهد از آن برای خورد و خوراک استفاده کند. و بالاخره يك راننده بقیه در صفحه ۹



# انقلاب یا ...

ادراست داشته باشند .

۲- نظریه انقلاب سوسیالیستی که قدرت سیاسی متناظر با آن به تبعه تحت رهبری منحصر فرد و بلا منافع پرولتاریاست. این برهان لیکن از آن قرار که اکنون امکان تحقق انقلاب سوسیالیستی وجود ندارد .  
۳- نظریه انقلاب دموکراتیک توده‌ای که قدرت سیاسی منطبق با آن نه " دولت و زواری" از نوع معمول بلکه "ولتی شورائی" از نوع کمون" می باشد که شرط تحقق پیروزی- مند آنان رهبری پرولتاریا برانقلاب و دولت است .

اما واقعیت این است که فقط دو خطی اساساً متفاوت باید یکدیگر وجود دارد ، خط مشی رفرمیستی (ویا پاسیفیستی) و خط مشی انقلابی . دو پاسخ نخستین به انقلاب و قدرت سیاسی معرفت خط مشی رفرمیستی (و یا پاسیفیستی) هستند . دو جریان نخست در عین حالیکه از یکدیگر تمایزند ، اما برهم منطبق اند . این دو جریان از یکدیگر تمایزند زیرا که نتایج نظری هر یک که مبتنی بر اسلوب تبیین انقلاب است نه تنها از یکدیگر جداست بلکه ظاهرآ در دو قطب کاملاً متضاد قرار دارد . وجه تمایز امده تا در اعلام نتایج باقی میماند . در حالیکه هر دو جریان هم در متمدن لوژی تبیین انقلاب و هم از نقطه نظر سیاست عملی که در تحلیل نهایی منبعت از متمدن لوژی آنها است بر یکدیگر منطبق اند . این دو جریان اپورتونیستی که به ترتیب جلوه‌هایی از اپورتونیسم راست و چپ در رن جنبش کمونیستی را نشان میدهند در رگه مسائل گرهی و اساسی انقلاب ، عملاً اثر یکسانی بر انقلاب و مبارزه طبقاتی پرولتاریا باقی می گذارند . اولی "رفرم" را رسماً خط مشی خود قرار داده و توده‌ها را به تبعیت از بورژوازی فرا می خواند و دومی "رفرم" را در زورق انقلاب سوسیالیستی اینده می پیچد و با سیاستی پاسیفیستی در جنبش کمونیستی ، توده‌ها را به پیروچم بورژوازی هدایت می کند .

حال ابتدا بنیادهای نظری و سیاستهای اپورتونیسم راست را بررسی می کنیم :

تکامل گرائی تدریجی طیف گسترده و رنگارنگ نیروهای تشکیل دهنده اپورتونیسم راست در جنبش کمونیستی ایران ، به انحاء مختلف و ادله گوناگون اتحاد با بورژوازی و پذیرش برنامه بورژوا- رفرمیستی و اتخاذ تاکتیکهایی متناسب با آنرا تبلیغ می کند و جهت گیری اساسی خود را در پیروشی یک انقلاب بورژوا- دموکراتیک به رهبری بورژوازی و خرد بورژوازی قرار داده است . طیف اپورتونیسم راست - در شرایط کمونی- عدتاً از مارکسیست - لیبرالهای درون شورای ملی مقاومت ، نیروهای به اصطلاح مارکسیستی حول و حوش آن و اوپلیسین شرمگین و یا مرد در ورود به این اتحاد به رفرمیستی و ... تشکیل می شود . هرچند

نیروهایی که معرف اپورتونیسم راست هستند از گنه های مختلف اند و جایگاههای متفاوتی در درون طیف اپورتونیسم راست در ارا هستند و هرچند که این نیروها با لائل و اشکال گوناگون وظایف سیاسی انقلاب و قدرت سیاسی را فرموله می کنند ، لیکن در اساس از یک متمدن لوژی پیروی می کنند و نتایج عملی اساساً یکسانی را در پی میبرند جنبش بیار می آورند . گوناگونی ادله اشکال ارائه و فرمولبندی اینان از انقلاب و قدرت سیاسی و حتی تضاد های ریز و درشت این نیروها با یکدیگر که صرف نظر از ظاهر خشن و پرخاشگرانه آن ماهیتاً در یک چهارچوب قرار دارد ، نباید برسر مساله اساسی مورد بحث ، سایه افکند .

متمدن لوژی اپورتونیسم راست در تبیین انقلاب و قدرت سیاسی مبتنی است بر متمدن لوژی تحولات اجتماعی آرام و تدریجی و بدین جهت اکونومیسم و "تئوری مراحل" بلخانفی ، زیر بنای سیاستهای عملی میگردد که نتایج حاصله از آن عبارتست از : تبلیغ رفرم بجای انقلاب ، پذیرش رهبری بورژوازی و خرد بورژوازی بر اساس رعایت "نویت" ، تنگ پاره کردن انقلاب و پیش گرفتن سیاست کسب پیروزیهای جزئی بر مبنای تاکتیک پیرویه . بر ایند عملکرد این جنبش جلوگیری از ایجاد صف مستقل طبقه کارگر و انحلال طلبی است . از متمدن لوژی این جریان که مبتنی بر سیر تحولات اجتماعی آرام و تدریجی است تقاضای کمی .

هسته اصلی و فصل مشترک متمدن لوژی نیروهای اپورتونیسم راست را تکامل گرائی تدریجی تشکیل میدهد . این جریان ، جنبش لیبرالیستی از تحولات اجتماعی را با پوشش مارکسیستی تعیین می دهد و بدین طریق رسالت خود را در خدمت گذاری به بورژوازی بسرای بسط مناسبات سرمایه داری انجام میدهد . در بدگاه اکونومیستی این جریان مبتنی است بر قوانین عام و سیر تاریخی - جهانی تحولات و در انبای تاریخی و انطباق قدری و کلیشه ای قوانین عام حاکم بر تبیدیل یک دوران تاریخی به دوران دیگری مجموعاً مشخص و در اینجابه جامعه ایران . مارکسیسم در تبیین سیر تحولات اجتماعی ، اثبات نموده است که در در انبای مختلف تاریخی از یکدیگر قابل تمایزند ، که هیچ دورانی ابدی نیست ، که تحول از یک دوران به دوران دیگر اجتناب ناپذیر است . مارکس متمدن گر می شود که اشکال اجتماعی تولید هرچه باشند ، کارگران و وسائل تولید همواره عوامل آن باقی می مانند ، و لسی اینان تا هنگامیکه از یکدیگر جدا هستند فقط بالقوه عامل تولید بشمار میروند . برای اینکه تولیدی انجام گیرد لازم است که این عوامل بهم پیوند یابند . نوع و شیوه ویژه ای که بوسیله آن این پیوند انجام میگردد تمیز دهنده دوران های مختلفه اقتصادی ساخت اجتماعی است

(کاپیتال جلد ۲) . ایدئولوژیهای بورژوازی که نظام سرمایه داری را در رانی بی تقاضا و بدی جامیزند و به این ترتیب توده‌ها را به تسلیم شدن به نظم موجود "لا پیغیر" فرامی خوانند و به تدریج در مقابل ارتقاء مبارزه طبقاتی پرولتاریا و تبیین ماتریالیسم تاریخی از جوامع عرصه راتنگ یافتند . برخی از این ایدئولوژیها

بمنظور انطباق با شرایط جدید مبارزه طبقاتی ، به رفرمها و تعدیلاتی در رده گاه بورژوازی نسبت به جوامع بشری پرداختند . از مارکس "آکادمیسین" تجلیل بعمل آمد و دورانهای مختلفه اقتصادی ساخت اجتماعی "بهرسمیت شناخته شد .

مارکس در رتزه های پیوست لود و یک فویر باخ گفته بود که "فلاسفه تنها جهان را بشیوه های گوناگون تعبیر کرده اند و حال آنکه مقصود تغییر دادن آنست .

در اینجانب این ایدئولوژیها آنگاه "تعبیر" دورانهای مختلفه اقتصادی - ساخت اجتماعی مطرح است می توانیستند نه تنها "مارکسیست" باشند ، بدین آنکه از این "مارکسیست" بودن ، سرمایه داری و چهار نقصانی گردد و بر با خطر یافتد ، بلکه به این طریق با مارکسیسمی که جذابیت اجتماعی یافته و رهنمون مبارزه طبقاتی پرولتاریا بر علیه بورژوازی گشته است ، نه فقط از پیرون بلکه از درون نیز به مصاف برخیزند ، مارکسیسم "آکادمیک" را تجلیل کنند و مارکسیسم انقلابی را بگویند . به شیوه های "تعبیر" لیبرالیستی از مارکسیسم ارج نهند و بر آنچه که مربوط به "تغییر دادن" است خط بطلان بکشند .

اما تصدیق موجودیت دورانهای مختلف اقتصادی - اجتماعی و تبیدیل یک دوران به دوران دیگر ، الزاماً به دنبال خود مساله "تغییر" یعنی چگونگی تبیدیل یک دوران به دوران دیگر مطرح می سازد . برای مارکسیسم لیبرالی مساله این است که چگونگی تبیدیل یک انقلابی در آن استحاله باید . متمدن لوژی تکامل آرام و تدریجی یک دوران به دوران دیگر که عیناً برای هر جامعه بکار برده می شود ، بلکه طلبیده می شود تا انقلاب - و نه البته هر انقلابی - ضرورت تاریخی خود را از دست بدهد . و البته این امر نیز در پوشش مارکسیسم و با استناد به مارکس "آکادمیسین" انجام می یابد . مارکس در نوشته های خود به کرات نقش نیروهای مولد در تحولات اجتماعی را نشان داده است و انقلابات اجتماعی را نتیجه ناگزیر تضاد بین مناسبات تولیدی و نیروهای مولد ، اجتماعی ارزیابی کرده است . بعنوان مثال مارکس در نامه ای به پاول واسیلو- بیچ آننگ در سال ۱۸۴۶ می نویسد : "فرم های اقتصادی که در درونشان ، انسانها - تولید ، مصرف و مبادله می نمایند فرمهای تاریخی و گذرا هستند . با بدست آوردن نیروهای مولد جدید ، انسانها نظام تولیدی شان را تغییر داده و با تغییر نظام تولیدی ، تمام روابط اقتصادی ، که صرفاً روابط مناسباتی با یک نظام تولیدی مشخص هستند تغییر می یابند . تحریف لیبرالی مارکسیسم ظاهراً نقطه قوت خود را با استناد به مارکس یافته است . رشد نیروهای مولد ( که برخی از نیروهای جریان اپورتونیسم راست آنرا تا حد رشد ابزار تولید تقلیل میدهند ) آن شاه کلیدی می شود که توسط آن انقلاب در هر جامعه مشخصی را می توان تبیین کرد . اپورتونیسم راست ضمن وظایف اساسی انقلاب در هر جامعه ای را با شاه کلید خود - بقیه در صفحه ۷



# انقلاب یا ...

در وجه رشد نیروهای مولده - بلافاصله می تواند ارزیابی کند. اپورتونیسیم راست بر مارکس تکیه می کند که گفته بود "هیچ یک از فراماسیونهای اجتماعی ناپدید نمی شوند مگر آنکه همه امکانات خود را برای رشد گلپه نیسرو های تولید شان به اتمام رسانده باشند". پس از دیدگاه اپورتونیسیم راست ابتدا باید در هر جامعه، فراماسیون اجتماعی موجود را گسترش و تعمیق داد تا بارشد نیروهای مولده، آن جامعه برای تحول به فراماسیون جدید آماده شود. اپورتونیسیم راست آنچه را که مارکس در مورد سیر تحولات و توالی فراماسیونهای اجتماعی از دیدگاه تاریخی - جهانی مطرح نموده است، به هر جامعه مشخصه تسسری می دهد. از این دیدگاه اکنون باید سرمایه داری در هر جامعه مشخصه کاملاً بسط یابد تا امکانات تحول به سوسیالیسم از طریق رشد نیروهای مولده درون همان جامعه مشخص فراهم شود.

این دیدگاه، قوانین عام را که جهت عمومی تکامل و تحول یک فراماسیون اجتماعی به فرماسیون نوین و توالی مراحل آنرا بطور کلی مشخص می سازد، به قوانین خاص تحولات اجتماعی در یک جامعه مشخص کاملاً منطبق می نماید. در طول حیات مارکسیسم، اکونومیسم، بر پایه چنین دیدگاهی که در پشت آن مواضع نیروهای غیرپرولتاری نهفته است، و همواره با استناد به قوانین عام تحولات اجتماعی به اشکال گوناگون خود رایا سازی کرده و در جنبش انقلابی طبقه کارگر اخلال نموده است. گرایش مسلط برانترناسیونال دزم که بعلت توسعه صلح آمیز سرمایه داری در آن زمان موجودیت خود را توجیه میکرد (بر این جنبش بینش اکونومیستی استوار بود و کائوتسکی پس از ارتداد کامل خود از مارکسیسم، به تعمیق همین بینش پرداخت. در روسیه، مارکسیست های قانونی، اکونومیستها و منشویکها همین بینش را در بین کارگران تبلیغ میکردند و آنان را به دست شستن از انقلاب فرامی خواندند و اکنون در اینجانب نیز مدافعین انقلاب بورژوا - دموکراتیک و اتحاد با بورژوازی برای بسط سرمایه داری و رشد نیروهای مولده، همین بینش را به پیش می کشند.

تحریف لیبرالی از مارکسیسم بمنظور خارج کردن سرمایه داری از زیر ضرب مبارزه طبقاتی مدفنند پرولتاریا بصورت گرفته و می گیرد. این تحریف که اکونومیسم را بجای ماتریالیسم اریخی می نشاند، مارکسیسم را بعد پذیرش بیرونی انتقالی میدهد و تعدیل می کند. اما رخدود مارکس، انگلس و لنین به جوامع شخص، مبارزه طبقاتی شخص و انقلابات شخص به روشنی بینش متفاوت آنان را از اکونومیستها نشان میدهد. نه مارکس و نه انگلس قوانین عام تکامل اجتماعی را که خود وضع نمودند بصورت کلیشه ای و قدرگرایانه انقلابات اروپا در رساله های ۵۰ - ۱۹۴۸ لاد و ۱۸۷۱ پاریس تسری ندادند.

مارکس در آثاری همچون "مبارزه طبقاتی در فرانسه"، "هیچ هم برومر لوئی بناپارت" و "جنگ داخلی در فرانسه"، از شرایط مشخصی موجود اجتماعی آغاز می کند و با توجه به روند مبارزه طبقاتی، صف بندی طبقات و توان بالقوه و نیز بالفعل طبقات و اقتضای اجتماعی به تحلیل "انقلاب" می پردازد و تاکنیک کمونیستها را بر این اساس پیشنهاد می کند. انگلس نیز در تحلیل خود از انقلاب آلمان که در یک سلسله مقالات تحت عنوان "انقلاب و ضد انقلاب" منعکس گشته است همین اسلوب را بکار می بندد. لنین و بلشویکها نیز چه در انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و پس از آن و چه در سال ۱۹۱۷ هم در سیاستهای عملی و هم در آثاری چون "دو تاکنیک"، "تزه های اوریلو" و "دولت و انقلاب" جهان بینی ماهیتاً متفاوت خود را از بینش اکونومیستی منشویکها نشان دادند. حال و تحولات، با بهره گیری از شاه کلید همعنا حاضر خود و با استناد به مارکس، خواهان رشد نیروهای مولده از طریق بسط سرمایه داری به همان شیوه کلاسیک خود بودند و هم خود را بر سر روف و رجوع موانع بسط سرمایه داری و تعدیل "تیزی" های آن گذاشته بودند. مقایسه این مارکسیسم تحریف شده با بینش مارکس در مقابل تحولات هر جامعه مشخص، خود روشنگر عمق تحریف لیبرالی است که در ماتریالیسم تاریخی از سوی اکونومیستها بصورت گرفته است. برای این منظور ماقط به یک نمونه از تکرار مارکس به تحولات اجتماعی اشاره می کنیم. مارکس در نامه ای به هیات تحریری روزنامه "انجستونیزاپیسکی" در سال ۱۸۷۷ به مقاله آقای ژوکسکی که اظهارات مارکس پیرامون تحولات روسیه را مورد نقد قرار داده بود پاسخ میدهد. در این پاسخ مارکس بجای استناد کلیشه ای به قوانین عام تحولات اجتماعی با توجه به شرایط مشخص روسیه آن زمان و وجود آیشنها (کمون های دهقانی) می نویسد: "من باین نتیجه رسیدم که اگر روسیه را از سال ۱۸۶۱ دنبال کرده است ادامه دهد، بهترین موقعیتی را که تاکنون تاریخ در اختیار ملتی گذاشته است از دست داده و دستخوش تمام بخت برگشتگی های سیستم سرمایه داری خواهد شد". این نظر را مارکس زمانسی مطرح ساخته که هنوز سرمایه داری در حال اعتلا بود و به دوران احتضار خود نرسیده بود، یعنی زمانی که اکونومیستها با استناد به مارکس تحریف شده "ظاهراً" ذیحق بودند که خواهان بسط سرمایه داری در روسیه باشند، اما مارکس در همین نامه ضمن تشریح مختصری از توسعه سرمایه داری در اروپای غربی می نویسد "حال بینیم منقذ من چگونه می تواند این تحلیل تاریخی را در مورد روسیه بکاربرد؟ بطور ساده اینکه اگر روسیه بخواهد همانند و به دنباله روی از اروپای غربی به یک کشور سرمایه داری مبدل شود - که در چند سال اخیر هم در این مسیر مشکلات فراوانی را متحمل شده است - بدون اینکه ابتدا اتحاد قابل توجهی از دهقانان خود را به پرولتاریا تبدیل نکند،

موفقیتی نخواهد داشت. بعد هنگامیکه در گرداب سرمایه داری غرق گردید، همانند سایر ملت های ملعون ملزم به تحمل قوانین بیرحم آن می باشد. همین ویس. ولی برای منقذ من این بسیار کم است. او اصرار دارد که تحلیل تاریخی مرا از شکل گیری سرمایه داری در اروپای غربی، به یک تئوری تاریخی - فلسفی در مورد راه عمومی تحول همه کشورهای که بدون توجه به شرایط تاریخی مشخص آنها بوسیله نقد پر تجویز شده است تبدیل نماید، باین منظور که به همراه عظیمترین توسعه نیرو های تولیدی کار اجتماعی، کامل ترین تحول را برای بشر تضمین نماید. وی ادامه میدهد که "کسی با استفاده از یک تئوری تاریخی - فلسفی که ویژگی فوق العاده اش شامل فوق تاریخی بودن آن نیز می شود و بکاربردن آن به عنوان یک شاه کلید، هرگز نمی تواند به هدف برسد".

روسیه بهترین موقعیتی را که تاکنون تاریخ در اختیار ملتی گذاشته بود از دست داد. توسعه سرمایه داری کمون های دهقانی را از هم پاشاند. امکان تحولی را که مارکس و نیز انگلس در مورد روسیه میدادند بوقوع نپیوست اما بر سر همین امر و نیز تحولات آتی روسیه دیدگاه اکونومیستی و انقلابی خط و مز کاملاً متمایز خود را نشان دادند. اکونومیستها (مارکسیستهای قانونی، منشویکها و...) به بسط نظریات لیبرالی پرداخته و خواهان بسط سرمایه داری در روسیه تحت رهبری بورژوازی و از طریق همان راه شناخته شده که اروپای غربی طی کرده بودندند. اکونومیستها با عدم تحقق امکان تحولی که مارکس برای روسیه مطرح کرده بود، به تعمیق نظریه اکونومیستی تکامل ضروری سرمایه داری پرداختند. بعنوان مثال وان کول اکونومیست رهبر سوسیال دموکراتهای هلند در گفتگوهایی بین المللی در دوم آگست در اظهار نمود که فرضیه مارکس که بموجب آن بعضی کشورها قادر خواهند بود (حتی اگر محدود هم باشد) در تکامل اقتصادی خویش از مرحله سرمایه داری اجتناب کنند و غیرواقعی از آب درآمد. ملل ابتدائی تنها با به فرجام رساندن این مرحله بتقدم خواهند رسید. از اینرو وظیفه ما جلوگیری از تکامل سرمایه داری - این حلقه ضروری در تاریخ بشری - نیست. بر همین مینابود که منشویکها نیز برای تکامل سرمایه داری بشیوه کلاسیک در روسیه، به جنبش کارگری بمشابه نردبان صعود بورژوازی به قدرت سیاسی متکی هستند. حال آنکه بلشویکها به رهبری لنین با توجه به فروپاشی کمون های دهقانی و توسعه سرمایه داری در روسیه که لنین در اثر خود تحت عنوان "توسعه سرمایه داری در روسیه" بتسریسم آن پرداخته بود، به این سیاست منشویکی در نغلطیدند که چون انقلاب بورژوا - دموکراتیک در دست قرار آرد، باید بورژوازی رهبری انقلاب و دولت را در دست داشته باشند. برعکس بلشویکها با توجه به شرایط مبارزه طبقاتی و وظایف اساسی انقلاب و توان طبقات مختلف به تدوین نظریه "دیکتاتوری دموکراتیک انقلابی پرولتاریا و دهقانان" پرداختند و بقیه در صفحه ۱۳

## بیانیه کمیته مرکزی

## سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

## در هشدار به "راه کارگر"

در جنبش، پشت پا زدن به پرنسپ‌های انقلابی و دخالت در امور سازمانهای دیگر است. اما حقیقتاً راه کارگر از ماجرای دو سال پیش مجاهدین و مزدور خائنی که طبعاً دست رهبری مجاهدین شده بود و چیز بی حیثیتی و رسوائی چیزی بیشتر عاید آنها نکرد، درس لازم را نیاموخته است؟ "راه کارگر" قطعاً باید بداند که در دام توطئه های بورژوازی، خود را گرفتار نکند، دست از هم آوائی با بورژوازی و خائنین به طبقه کارگر علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بردارد، کسانی را که از سوی سازمان مابعدنویان خائن به جنبش معرفی شده اند از صفوف خود طرد کند و هرگونه اطلاعاتی که در مورد ضربات زمستان سال ۶۲ و عنصر خائنی که بمثابة کیوتر پرتیجی در خدمت رژیم قرار گرفته دارد آنرا در اختیار سازمان مآرارد هد و از این اعمال و شیوه های غلط و غیر اصولی خود رسماً انتقاد کند.

مادامه که "راه کارگر" از این برخورد های غیر اصولی خود انتقاد نکند، هرگونه مناسبات رایابوی قطع می کنیم و از کلیه نیروهای سازمان و هواداران می خواهیم که هرگونه رابطه ای را با این سازمان قطع نمایند.

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
هفتم فروردین ماه ۶۴

سازمان سیاسی نیست. "راه کارگر" اگر اندکی به پرنسپهای انقلابی در جنبش پایبند باشد، قطعاً باید بداند که هیچ سازمان سیاسی مجاز نیست فرد خائنی را که در ضربات زمستان سال ۶۲ به سازمان ما، نقض مهمی داشته است و طی اطلاعیه ۲۵ تیرماه سال ۶۳ خطاب به کارگران اعضا و هواداران سازمان، از وی بعنوان کیوتر پرتیجی یاد شده و از کلیه نیروهای هوادار سازمان خواسته شده است که اگر چنانچه ارتباطی یا فرد مذکور دارند ارتباطات خود را با وی قطع کنند و یا هرگونه اطلاعاتی در مورد وی دارند، این اطلاعات را فوراً در اختیار سازمان قرار دهند، با وی ارتباط داشته باشد. اما این اطلاعات را در اختیار ما قرارند هد و حتی دست به تکثیر اوراقی بزنند که باعث کلیشه های نشریات سازمان ماصورت گرفته است.

این اعمال، در حقیقت رواج بی پرنسپیی

در رسی گرایش به راست روز افزون را مکارگر و نزدیکی این جریان به اپوزیسیونهای بورژوائی نظیر "شورای ملی مقاومت" و اپوزیسیونهای خائن اکثریت، اخیراً این جریان در کینه تیزی و تبلیغات ضد فدائی، به طیف بورژوا لیبرالهاویچ نماهای لیبرال که یک لحظه از تلاش خصمانه علیه طبقه کارگر ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران فروگذار نمی کنند پیوسته است. "راه کارگر" رسی موضعگیریهای ضد فدائی چند ماهه اخیر خود، در همراهی با "شورای ملی مقاومت" و باند ضد انقلابی اکثریتی های خائن، طی اطلاعیه ای به تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۶۴ با فاحشی و توهین به سازمان به این موضعگیریها و اقدامات ضد فدائی خود جنبه رسمی بخشیده است و با دفاع از تمام خائنینی که طی چند سال اخیر، باضربه زدن به جنبش طبقه کارگر ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، از هیچ اقدامی فروگذار نکردند، موضوع خصمانه خود را نسبت به سازمان آشکار نمود. این اقدامات راه کارگر تا بد اینجا پیش رفته است که معنی به پرنسپهای انقلابی نیز پشت پا زدن و بعد فاع آشکار از خائنین برخاسته است. "راه کارگر" اگر اندکی به پرنسپهای انقلابی در جنبش پایبند مانده باشد، قطعاً باید بداند که برخورد های مغرضانه و توأم با فحاشی، در شان یک

## پیام همبستگی...

زنان و بیکاران، دانش آموزان، دانشجویان و ساکنین حلبی آباد - ها قاطع ترین مبارزه را علیه دیکتاتوری پینوشه رهبری می نمایند و مردم شیلی درگیر یک پیرویه وقفه ناپذیر مبارزه در موکراتیک - ضد امپریالیستی برای رسیدن به سوسیالیسم می باشند. دو سال پیش در رسی این مبارزه MDP جنبش در موکراتیک تود های بوجود آمد. MDP شامل حزب کمونیست، ماسر، حزب سوسیالیست المیدا، کنگره ۲۴ حزب سوسیالیست، حزب رادیکال، MAPU و ۲۰۰ سازمان اجتماعی در مرکز قبیل سازمان زنان و سازمانهای مسیحی می باشد. اتحاد جیب شیلی در MDP تحت یک برنامه درسی است برای جهانیان. MDP معتقد به بکارگیری تمام اشکال مبارزه تود های و جنگ علیه دیکتاتوری می باشد. MDP با سازش و مذاکره با دیکتاتوری خط کشی دارد. در مقابل "اتحاد در موکراتیک" آلترناتیو بورژوازی می باشد و رهبری آن با حزب در موکرات مسیحی که آلترناتیو رشد یابنده ای برای شیلی نمی تواند باشد. برخلاف اتحاد

در موکراتیک، MDP تود مهارشده و انبده است. MDP در اکتبر ۱۹۸۰ خواهان لغت سراسری گردید. این اعتصاب پیروزمند از سوی "اتحاد در موکراتیک حمایت نکردید. بدین ترتیب MDP ثابت نمود که توانسته است اعمال اکثریت تود های شیلی را نمایندگی کند و بر این عقیده است که با دیکتاتوری وجود ندارد زیرا که آنها باید سرنگون گردند.

اکنون وحشت مردم ایران همانند مردم شیلی از استعمارگران ریخته شد هو بیکار دیگر به مبارزه با رژیم خمینی برخاسته اند. اعتصابات اخیر در اصفهان و تهران، روحیه مبارزه - جوینان و قاطعیت مردم ایران را نشان می دهد. آنها علیه سرکوب اقتصادی و شکل های دیگران بیخاسته اند. ماه ۲۰ هزار کارگر و ب این و کارگران دیگری که در همبستگی با آنها برخاسته اند درود می فرستیم ما اعتصابات صنایع پاروشی و الکترونیک تهران و کارگران نفت در اصفهان را جشن می گیریم. ما به زنان ایرانی که برای حقوق خود برخاسته اند درود می فرستیم. در تمام این اعتصابات کارگران ایرانی نشان دادند که اتحاد اساسی ترین عامل شکست دشمن

می باشد و این اتحاد آنان بود که پاسداران را ناموفق گذاشت و آنها را وارد به عقب نشینی نمود. این قبیل اخبار محرکی است برای مردم ایران که بیکار دیگر بیخاسته و همراه پیشاهنگ انقلابی، پیروزی و مکرسی واقعی را تضمین نمایند.

پشتا سیک این سالگرد مابعدرفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در رود فرستاده و مطمئنیم فد اکارپهای رفقای بخون خفته، بهبودی نیوده است. ما مبارزه را در نیال خواهیم کرد. همانطور که میدانید در شیلی و ایران، پینوشه و خمینی سرنوشته سوموز را به نیال خواهند داشت. برای شیلی و ایران انقلابی در موکراتیک و خلقی ما پیروز خواهیم گردید.

زند و باد آلترناتیو سوسیالیسم پرولتری  
زند و باد همبستگی بین المللی  
پیروزیاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
زند و باد کارگران شیلی و ایران  
با مردم، مسلم و متحد ما پیروز خواهیم شد  
تنها مبارزه ضامن آزادی ماست  
پیروزی از آن ماست

MIR "میر" شیلی ۸ فوریه ۱۹۸۵

## مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



### بررسی

وانت در مورد رژیم می گوید: "هرچی بد بختی می کشیم از دست این دولت واخوند هاست اولش چه بعد ها که بهمانند اند. می گفتند نفت را در خانه هایمان می آوریم؛ روی دریای نفت هستیم ولی از سرمایه لرزیم. یک روز از مالیات حرف میزنند، یک روز از جنگ، خجالت نمی کشند. آخه از جان مردم چه میخواهند" و راننده تاکسی می گوید: اینها جیب - هایشان را آنقدر بزرگ داختن که دستشون به تنه آن نرسه که مباد چیزی بیرون بیارن و بدهند به مردم، گود گرفتن که می بلین و بپریزن توش".

در مجموع بی اعتمادی به رژیم و سیاستهایش شدت در توده ها رشد یافته است. آنچه است که هر برنامه ای را که رژیم طرح می کند و هر اقدامی را که به اجرا می گذارد مردم به درستی حیل و تزوییری را در آن جستجو می کنند. در این رابطه برخورد مردم با سیکار تیر که جایگزین سیکار بهمین و آزادی شد بسیار جالب توجه بود. اخیراً پس از بحثهای بسیاری که در مجلس در مورد تعویض سیکار بهمین و آزادی و تغییر نام آنها صورت گرفت و اینکه گویا ضد انقلاب نام این دو سیکار را برانگیختند نهاد بود تا بگوید انقلاب ۲۲ بهمین و آزادی دود شده و به هوا می رود، سرانجام این دو سیکار جمع شده و سیکار "تیر" به بازار آمد. مردم وسیعاً و عموماً این سیکار را تحریم کردند صحبتهایی که در مورد آن می شنیدند فوق العاده جالب بود مثلاً "مردم می گفتند دولت این سیکار را آورده تا مارا بکشد. جوانهایمان را یاد رزندان یاد در جیبها می کشد و حال می خواهد با سیکار تیر بقیه مردم را نابود کند و یا مثلاً گفته می شد کادر ترسیم شده در پشت بسته سیکار مثل سنگ قبر است و طرح روی پاکت نیز تیری است که دولت می خواهد به قلب مردم بزند در این میان موارد بسیاری از سکنه فلسطی بخاطر سیکار تیر بسرعت در میان مردم دهان به دهان می گشت. سرانجام تحریم همجانبه و وسیع مردم و روی آوری آنها به دیگر سیکارها موجب گردید تا همه بیاعتمادی در خانیات و رتلیزیون ظاهر شده و شایعات ایجاد شده را کار عوامل قاچاق سیکار خارجی قلمداد کند.

### ۳- ذهنیت کارگران و زحمتکشان نسبت به انتخابات فرمایشی رژیم:

برخورد توده ها به انتخابات و تحریم ملی آن، آنچه چشمگیر بود که حتی سران رژیم ناچار به اعتراف بدان شدند. ناطق قری وزیر کشور عدم شرکت مردم را مصادف شدن روز انتخابات با تعطیلات پنجشنبه و جمعه و مسافرت آنان ذکر کرد و فرستحانی - مصاحبه مطبوعاتی در این زمینه گفت که چون در دور اول گروهها و سازمان های انقلابی شرکت داشته اند گویا مردم برای مقابله با آنان شرکت کردند و اکنون که آنان

حق شرکت ندارند مردم خیالشان راحت است که عمال رژیم بهر حال انتخاب خواهند شد. اما واقعیت این بود که از "امست همیشه در صحنه" خبری نبود و تنها مزدوران و جیره خواران رژیم و تعدادی از مردم که احتیاج به مهرشنا سنامه داشتند یا برای خروج از کشور و یا احتیاجات دیگر در آن شرکت کردند. از آنجا که گزارشات مفصل مربوط به نظر کارگران و زحمتکشان در مورد انتخابات در ضمیمه های خبری کار ۱۸۰ و ۱۸۱ به تفصیل آمد از تکرار آن خودداری می کنیم.

### ۴- استفاده رژیم از مذهب و برخورد توده ها با آن:

ساله استفاده رژیم از مذهب به مثابه عامل فریب و تحمیق توده ها، اکنون بیش از پیش برای کارگران و زحمتکشان آشکار گشته است. برای مردم نه تنها ماهیت حکومت مذهبی جمهوری اسلامی بلکه اساساً ماهیت رژیمهای مذهبی بطور کلی روشن شده است و بهجرات می توان گفت که در سطح وسیعی مذهب به زیر سوال رفته است. به نمونه گزارشات در این زمینه اشاره می کنیم: "بناهای هلی کوپتر سازی در جلسه سخنرانی مذهبی که برای خانمها ترتیب داده شده بود معمولاً هر دو هفته یکبار تشکیل میشود، کترکسی به سخنرانی گوش میداد و اگر" راجع به مسائل مختلف صحبت میکردند یکی از کارگران می گفت: اسلام قبل از انقلاب مثل یک قوطی کنسرو درسته بود که بعد از انقلاب درش باز شد و بوی گندش همجا را گرفت". شاید این جمله سادترین و در عین حال جالب ترین جمله در توصیف ماهیت مذهب باشد. به مورد دیگری از صحبت یک کارگردان اینمورد اشاره کنیم:

"ما انقلاب کردیم تا وضعمان خوب شود ولی خمینی می گوید ما برای خریزه انقلاب نذریم ما اسلام می خواهیم. در حالی که ما خداستیم و معمان بپوشیم. ما اسلام پر خواهیم چکار کنیم، ما میخواهیم شکم گرسنه مان سیر شود....."

"اراک - در یکی از روستاهای اراک بنام "چشمه موشک" در سالگرد مراسم عاشورا عده ای شیاد برنج نداری پخته و به مردم میدادند در حالیکه از جای دیگری برنج پخته شده راه در یک اضافه میکردند چنین وانمود می کردند که گویا معجزه شده و دیگر برنج بطور خود بخودی بر مقدارش اضافه می شود و تمام نمی شود در این میان یک نفر با لباس سفید سوار بر اسب در واز محل توزیع برنج نداری، نزدیک کوه بلند مرتباً حاضر می شد و محو می گردید که می گفتند او امام حسین است. مردم که از این جریانات متحیر شده بودند بسمت نمایش رفتند. پاسد اراک که اوضاع را بر وفق مراد ندیدند اجباراً امام حسین قلابی را دستگیر کردند و او را در ملاعام شلاق زدند. امام حسین قلابی مرتب فریاد میزد امام حسین را نزنید. پس از این جریان مردم می گفتند مگر اینها (رژیم) خودشان چندین بار امام زمان را در جیبها حاضر

نکرده بودند. پس چرا این یکی رامی زنند. از دیگر مسائلی که موجب زیر سوال رفتن مذهب و رزق توده ها شده است تغییر احکام اسلامی متناسب با منافع حکام رژیم است. شاید تنها نفعی که رژیم جمهوری اسلامی تاکنون داشته در هم شکستن توهمنات مذهبی توده ها بوده است تنها عقب ماندنترین آنها هنوز مذهب پاینده هستند. آنها می شناسند و تزدیدهای بسیار و دیرینست که آنها فروریزد.

### مسائل مشخص کارگری و نظر کارگران نسبت به آن

۱- ذهنیت کارگران نسبت به مساله تولید و شدت یافتن استثمار:  
طی سال ۶۳ رژیم بر شدت استثمار در کارخانجات افزود و این امر به اشکال مختلف صورت گرفت. یکی از طرق بکار گرفته شده از سوی رژیم افزایش شدت کاری بود که در مقابل با کم کاری گسترده بکار گرفته شد. همچنین رژیم به شیوه های مختلف از پرداخت پاداش و حق بهره وری خودداری کرد و یا میزان آنرا کاهش داد. در گزارشی از تولید ارو در این زمینه آمده است: "مدیریت در جهت افزایش تولید و شدت استثمار اقداماتی کرده است از جمله در برخی بخشها در سر یک دستگاه تعداد کارگر از پنج نفر به چهار نفر رسید و همچنین مدیریت دستور داده تا ماشینها را سریعتر به حرکت آورند. چند دستگاه جدید و اتوماتیک از آلمان غربی خریداری شده که مثلاً در یک بخش بجای ۳ کارگر، ۳ کارگر روی آن کار می کنند و بازه آن هم چند برابر شده است زیرا که سیستم زنجیره ای بکار گرفته شده عملاً کارگران را به کار بیشتر و امیدارد. همچنین در بخش بسته بندی نیز ماشینهای جدیدی بکار افتاده که ۹-۸ برابر ماشین قبلی کار می کند. علی رغم آنکه تولید افزایش یافته و انبارها انباشته از کالا است اما در موقع پرداخت پاداش اضافی تولید، گفته می شود که تولید کم است. کارگری در این رابطه می گفت: اینها حتی اگر ناتوسی و هنشون هم پر بشه باز زمین که اما سود اضافه تولید را بدیران میبرند با افزایش حقوق ۸۶۰۰ تومان".

### گزارش دیگری از پارس متال نیز به این مساله اشاره می کند:

"مدیریت برای کاهش تعداد کارگران و فشار هرچه بیشتر بر آنها، خواستار کار بیشتر به گونه ای شده که در شیفت دوم کارکنونی بمانند و نفرات کارگران شیفت دوم کم شود که با مخالفت مواجه شد و موضوع منتهی گردید". در همین کارخانه پنج نفر از کارگرانی که به این امر اعتراض کرده بودند اخراج گردیدند. گزارش کارخانه بیسکویت گرجی نیز شدت یافتن استثمار را به بهترین وجهی نشان میدهد: "شدت کار طی سال ۶۳ دو برابر شده است بر سرعت دستگاهها افزودن شده و از تعداد کارگران بر روی دستگاهها کاسته شده مثلاً دستگاهی (شماره ۱) که ۹ نفر در سال ۶۱ رویش کار میکردند در سال ۶۲ به ۷ نفر و در سال ۶۳ به ۶ نفر رسیده است و سرعت آن نیز یک چهارم برابر افزایش یافته، دستگاه شماره ۳ و ۴ و ۵ در سال ۶۱ روی

### پروسی اشکال مبارزاتی ...

هرکدام پنج نفر کار میکردند، در سال ۶۲ و ۶۳ به سه نفر تقلیل یافته و سرعت دستگاریها هم در برابرشده است. لازم به تذکر است که این امر عمومیت نداشته و در بسیاری از کارخانجات به دلیل نبود مواد اولیه حتی موقتاً تعطیل شده است از آن جمله: "کارخانه فیلور که حدود ۱۰۰۰ نفر کارگر و کارمند دارد بعلت نبودن مواد اولیه از تاریخ ۲۲/۱۰/۶۳ تا ۱۱/۱۱/۶۳ تعطیل شد و طی این مدت تنها حقوق ثابت به کارگران پرداخت گردید. همچنین خبری مبنی بر تعطیل ایران خود رو در اسفند ماهه اشتم که به دلیل کمبود لوازم مونتاژ برای مدتی از کار باز ایستاد. از شیوه‌های دیگری که رژیم برای چپاول کارگران سود می جوید عبارت از اینست که به ازای یک روز غیبت از کار سه روز حقوق کارگران کسر میگردد و در عوض برای پرکاری جایزه میدهند. بکارگرفتن این شیوه بعد ستروزیات صنایع صورت گرفته تا رقابت را در بین کارگران دامن زده و بر شدت استثمار بیفزایند. بعنوان مثال در گزارش تولید ارو آمده: "در تولید ارو کارگرانی که تولید را بالا ببرند یکروز مرخص با حقوق بعنوان پاداش داده می شود. در بخش ۱۶ به سه کارگر این جایزه داده شد. ترفندهای رژیم برای افزایش شدت کار در بسیاری از کارخانجات با مقاومت و کمکاری مواجه شد که نمونه آن کارخانه پرسی گاز و فرش گیلان بوده است. در واقع تمامی ترفندهای رژیم و شیوه های گوناگونی که بکار میگردد تلاشی است برای عقبله باکم کاری که از شیوه های معمول مبارزه کارگران است.

۲- دستمزدها، پاداش، حق بهرهوری: رژیم جمهوری اسلامی بیش از چهار سال است که سطح دستمزدها را ثابت نگه داشته است و این درحالیست که مدام بر شدت تورم افزوده شده و قیمت مایحتاج عمومی به چند برابر رسیده است. اما همین دستمزدها ناچیز کارگران نیز به بهانه های مختلف از آنان کسر شد و یا از پرداخت مزایا خودداری میگردد. از سوی دیگر اجرای طرح طبقه بندی مشاغل که خواست کارگران است یا عملاً به اجراء نیامده و پادرواحدهائی که پیاده شده در بسیاری از موارد به کاهش دستمزدها کارگران منجر شده است. کارگران اجرای طرح طبقه بندی مشاغل را با افزایش ۳۰ درصد دستمزدها پیشنهاد کرده اند که وزارت صنایع سنگین افزایش ۷٪ دستمزدها را تأیید نموده است. بهررو یکی از مهمترین خواست های کارگران در سال ۶۳ افزایش دستمزدها بوده است و نارضایتی کارگران از کم دستمزدها و راضیتهای آنان به خوبی می توانست در ریافت.

کارگر صنایع دفاع بخش مکانیک: "من چهارهزار تومان حقوق دارم. کرایه خانه میدهم، در تاجیه دارم که به مدرسه میروند این پول به کجای من میرسد؟ و ما

در کارخانه پرسی گاز در مجمع عمومی کارگری میگفت: "من ۲۰۰۰ تومان حقوق میگیرم و ۱۰۰۰ تومان کرایه میدهم تازه اگر یک کیسول کم شود باید ۱۲۰۰ تومان بدهم از بازار آزاد بخیرم. اما شما (مدیریت) کیسولها را به قوم و خویش هایتان میدهید هرچه بخواهید ..."

راننده شرکت واحد: "عده ای در شبفیت کار می کنند صبح و عصر، شب ساعت ۹ به خانه میروند اما حقوق بر اساس فیش ۴۰۰ تومان با کسر مالیات و غیره است. قرار بود دستمزد روزانه از ۹۶ تومان به ۱۰۵ تومان برسد که از این عدد مخبری شد و ما را نندگان برای مقابله با این اجحافات تحمل می کنند. مثلاً از مسافرین بلیط نمی گیرند."

سرمایه داران برای جلوگیری از افزایش دستمزدها حتی از دادن پایه جدید خودداری می کنند و با حق بهرهوری را به میزان تعیین شده نمی پرداختند و یا از دستمزدها ناچیز کارگران می زدند: کارگر کارخانه دیزل تبریز میگوید: "جمعاً ۳۹۰۰ تومان حقوق میگیرم ماهی ۹۰ تومان بخاطر جنگ کم می کنند ۷٪ بیمه و ۶۰ تومان انجمن اسلامی بر میدارند، نمی دانم چرا باید مخارج جنگ را ما بدهیم."

و یا "در کارخانه پارس مثال در بهمن ماه حق بهرهوری پرداخت شد. برای کارگرانی که کیفیت نداشتند ۵۰۰ تومان داده شد. کارگری می گفت: کارخانه اسامال ۲۴ میلیون تومان سود داشته باید خیلی بیشتر از اینها میدادند. و کارگر دیگری از همین کارخانه می گوید: در قسمت ما که حدود ۳۰ نفر کار می کنند روزانه دو قطعه اضافی تولید می شود که قیمت هر یک ۲۵۰۰ تومان است. جمعاً می شود ۵۰۰۰ تومان در روز که در دو هفته که ۱۰ روز کار می کنی با کسر تعطیل میشود ۵۰ هزار تومان حال آنکه پاداشی کمید هندی

بعضی ۳۰۰ تومان به بعضی ۵۰ تومان و جمعاً ۳۰۰۰ تومان است معلوم نیست ۷۰ هزار تومان بقیه کجا می رود و بالاخره کارگر دیگری می گوید: "مفت خوردن در این کارخانه زیادند که زیر کولر نشسته و حقوق میایزند. مثلاً مدیر عامل به خرج ما می رود خارج (اشاره به سفراو به المان عربی است). اخیراً به بهانه های جدیدی در کارخانجات از دادن پایه جدید خودداری میکنند مثلاً به بهانه کمی سواد، خوب کار نکردن و ... در حالیکه بر طبق قوانین خود سرمایه داری پس از چند سال باید پایه داده شود. مثلاً در حالیکه در کارخانه تولید ارو باید هر ۲-۳ سال یک پایه داده شود، به انحاء مختلف از آن سر باز میزنند و این در حالی است که حقوق مدیران در آبانماه به بهانه اینکه دستراد ارند بین ۴۰۰۰ تا ۸۶۰۰ تومان در ماه اضافه شده است. البته به تعداد معدودی پایه داده شده که می بایست به ازای هر پایه ۴۰۰۰ تومان به دستمزدها کارگران اضافه می شد اما حتی از این هم زدیدند و تنها ۱۸۰۰ تومان به دستمزدها اضافه شد و جالب اینکه نام آنرا "افزایش حقوق تشویقی" گذاشتند تا بین کارگران تفرقه پدید آورند. اما این حيله سرمایه داران برای کارگران تا

حدود یروشن شده است. همانگونه که گفته شد شرط ریافت پایه در مراکز تولید مختلف متفاوت است مثلاً در کارخانجات هلی کوپتر سازی پنجا شرط ریافت پایه و گروه شرکت در کلاسهای سیاسی اید ثلوزیک است و در این مورد حتی بخشنامه نیز داده شده است. در همین کارخانه به بهانه های دیگری نیز از دستمزدها ناچیز کارگران کسر میگردد. مثلاً در گزارشی می خوانیم: "از حقوق کارگرانی که از سال ۶۰ به بعد استخدام شده بودند پاداش پرداختی سال ۶۱ را کسر کردند یعنی همان ۵۸۲ ریالی که بعنوان پاداش در سال ۶۱ دادند این امر تعجب و حیرت کارگران را بشدت برانگیخت بطوریکه صریحاً بهمدیر عامل دولت فحش میدادند."

در مواردی همان دستمزدها ناچیز به بهانه پول نداشتن و فروش نکردن کارخانه پرداخت نمیگردد: "در یکی از کارخانجات نساجی اصفهان سه ماه حقوق کارگران پرداخت نشده بود. لذا کارگران از خروج تولید جلوگیری کردند و آنرا موقوف به پرداخت دستمزدها معوقه خود نمودند."

"پارک آرم - بعد لیل هم پرداخت حقوق یکی از کارگران بعدت شش ماهه دستور تخلیه خانه های کارگران از سوی مد سپهرت (وابسته به بنیاد مستضعفان) یکی از کارگران در وزارت کار از شدت خشم و غضب مسئول کارکنی راجا قورود. شک نیست که این نمونه از مبارزات فردی هیچچیز نمی تواند تفسیر بخش باشد. اما گاه فشارها و اجحافات رژیم کارگران را وادار میکند اعمالی نیز کرده است.

۳- نظر کارگران در مورد اخراجها طی سال گذشته همچون سالهای پیشین مساله اخراج به بهانه های گوناگون ادامه داشته است. اصولاً هرگونه اعتراضی با اخراج پاسخ داده می شود. سرخورده با مد بیریت یا اعتراض به شرایط کار و سختی کار و ... پاسخ اخراج است و از آنجا که مساله تخصص در کار برابری سود مد از آن بزم چند ان مطرح نیست و منافع آنرا مد نظر دارند، اخراجها خود شیوه ای برای استخدام کارگران جدید با حقوق ۶۳/۵ تومان است. این را کارگران به خوبی دریافته و در صحبتهاشان مطرح می کنند: "مدیر عامل رهنه من شیفیت به کارگران میگوید شما کاری را که در طول روز می کنید کافی نیست یعنی هر دو نفر یک نفر را انجام میدهند. یکی از کارگران اعتراض کرده و می گوید چون کار ما سنگین است باید نیم ساعت کار و نیم ساعت استراحت کنیم که در نه ساعت استراحت، کارگر دیگر کار را انجام میدهد. یکی از کارگران گفت تو و مد ایران دیگر ضد کارگر هستی و شروع به فحش دادن می کند. مهندس به انتهای کفاخر نیستند کار کنند می گوید استعان را بنویسید. پنج نفر نام خود را می نویسند. بلافاصله اخراج می شوند. یکی از اخراجیها می گفت با این حقوق ۲۷۰ ریال و این کار مشکل، همان بهتر که اخراج شوم. اگر در ترمینال سیگار فروشی کم بهتر از این است. همچنین یک کارگر ساده ۴ ساله به بقیه ر صفحه ۱۴

### نامه یک رفیق به نشریه کار :

## ”من این گل را میشناسم“ ”من این گل را.....“

این نامه حاری گزارشی است از مشاهدات رفیق بر مزار انقلابیونی که توسط رژیم جان باختند .

★ ★ ★

جمعه بود ، خورشید در نیمراه آمدنش بود و من خواب بجمشعمان نمی آمد تا هر چه زود تر براه افتم . بالاخره ساعت مقرر رسید و من در راه بودم . تمام وجودم ملتعب بود و تشویشی سراپایم رافز گرفته بود . در میدان خراسان مینی بوسی را که بمشهرکی میبرد سوار شدم . چه مسافری عجیبی بودند . نگاههایشان عجیب و مرموز بود و هر تازگی واردی را که سوار می شد با چشم خود در اعماقش می گاویدند . از راننده پرسیدم : ” قبرستان ارضی ها هم میروید ؟ “ مسافرین بالیخند متنبی جواب دادند : ” بله “ . براه افتادیم اما چقدر راه برایم دور می نمود . دو مادری که صورتشان هزارها سال عمر کرده بود اما شاید جوان بودند با هم در مورد بچههایشان صحبت میکردند . فقط زرمه‌های از حرفهایشان به گوش می رسید ، انگار در مورد زندگینامه فرزندان ایشان صحبت میکردند . در لابلای صحبت هایشان یکی از آنها که روسری سفیدی بر سر داشت در عکس که در قلاب زیبایی جای داشت در آورده و به دیگری نشان میداد و سپس بمسافرین رد کرد و گفت ” یکی دخترم است و دیگری خواهر زاد نام هر دو مهندس بودند . دخترم راد ربهشت زهرا خاک کردند و خواهر زاد نام را اینجا من هم امروز می خواهم به او سرزنم “ . چه با افتخار حرف میزد و پیکان نیز عکسها را با احترام دست به دست به یکدیگر نشان میدادند . پسر جوانی که ظاهری شبیه به بسجی هاد است و مسافر شهرک بود ، جراتی برای حرف زدن نداشت و تنها از صحبتهای مسافرین حرص میخورد . شاگرد راننده که گویی همه مسافرها را می شناخت شروع به جمع کردن پول کرد و همه اش بمادری می گفت : ” ایند فعه میمان من “ و گاهی هم با آنها همدردی میکرد . کم کم به مقصد نزدیک می شدیم . راننده درست جلوی قبرستان نهداشت ، بدون اینکه کسی به او چیزی بگوید و بغیر از ۷ - ۸ نفر تقریباً همه مسافرین پیاد میشدند . بعد از پیاده شدن مجدداً همه با یکدیگر حال و احوال کردند . چند دختر جوان هم در میان جمعیت بودند . اکثراً همدیگر را می شناختند اما اگر فرد جدیدی هم می آمد با او طوری حرف میزدند که گویی سالهاست که آشنا هستند . اول رفتند طرف گل فروشی که قبل در ب ورودی قبرستان ارضی ها بود و دیدند که بسته است از آقایی که وارد قبرستان می شد پرسیدند که

شاید زهرخاک بجای بذره ، بارونی آماده انفجار بود ، شاید اگر خاک را می کشیدیم بجای هر چند یک مسلسل بود ، شاید خوشه‌های گندم بود . اما باز دلم میخواست که این جمیع سرپایشور را نگاه کنم و بجای صحبت آنها بنشینم . دوباره بخود آمدم و به اطرافم نگاه کردم . مادری که سرپایا سپاموش بود خود شن را روی یکی از قبرها انداخته بود و بالهجه لری در حال گرمی میگفت ” روله ... روله تازه د امام روله ... “ و زنی آمد جلو و با همدردی خاصی آهسته بمادری گفت : ” چرا اینقدر گریه می کنی ؟ تو میدانی که نباید گریه کنیم بچه‌های ما باهل خودشان اینگونه مرگ را انتخاب کردند . ما اگر نخواهیم مثل اونها زندگی کنیم باید برای خودمان گریه کنیم . من پسر همتاش ۱۶ سال داشت و ۳ روز بعد از دستگیری اعداش کردند . توی وصیت نامه اش نوشته بود که مادر جان اگر می خواهی من از تو راضی باشم راه منو ادامه بده . من دوازده اسامی هام و یکی از دختر هام را هم کشته اند و همه اینجا خاک شده اند اما تا حالا اجرات نکردم اما حتی یک قطره اشک هم بریزم چون از روی آنها خجالت می کشم “ . در همین حال گشت به داخل محوطه آمد و آن مادر قهرمان به آنها اشاره کرد و گفت حیف نیست که ما جلوی این یوفیورها گریه کنیم و آنها خوشحال بشوند و بعد برای تاکید بیشتر گفت : ” مادر جان اگر بخواهی گریه کنی بسرت ناراحت می شه . ما که موقع زنده بودن آنها کاری برایشان نکردیم اگلاً حالا کاری درست انجام بدیم . و سپس دست مادر را محکم فشرد و رفت در گوشه ای دیگر زنی ساکت و آرام نشسته بود و بر روی خاک فرزندان دست می کشید ، در کنارش مادر دیگری بود که با فرزندش حرف میزد اشک مهربان می گفت : ” عزیز دل مادر نمی دونه چرا وقتی میام پیشت پاهام برای رفتن حرکت نمی کنند ، دخترم دختر قشنگ من هر روز روزنماری می کنم تا جمعه بشو بیام پیشتو . کاش می گذاشتند که من یک خونه اینجا بسازم و باتونزدگی کنم حتی اگه از اسمون گوله هم بیارم باز از پیشت نمیرم “ . معمولاً هر کسی می آمد عکس فرزندش را هم می آورد و روی خاک می گذاشت . همه ابتدا آگهی بر سر خاک فرزندان می نشستند بعد بمزار دیگر فرزندان انقلابی خلق می رفتند زنی که جوان بود بایک دسته گل نرگس و گل سرخ آمد و سرخراک یک شاخه گل گذاشت مادری بود که به هر کسی که می آمد شویینی تعارف میکرد . بچه‌ها هم فارغ از همه این صحنه‌ها بر روی خاکهاشان مانه بازی میکردند و می خندیدند . جمعیت تقریباً بیشتر میشد . عده ای از مرد ها جلور و ورودی روه افتاب ایستاده بودند و باهم صحبت میکردند . واقعا که صحنه‌های عجیبی بود . گشت گشته هم مانند لکه لکه سیاهی در روشنائی روز ، حقیرانه به اینطرف و آنطرف میرفت و از نگاههای جمعیت فرار بقیه در صفحه ۱۲

علت بسته بودن گل فروشی چیست و او گفت ” فکر می کنم که این بابا تصادف کرد باشد “ اما کسی حرف او را باور نکرد همه می گفتند می دانیم حتماً بخاطر اینکه بمساکل می فروخته در مغازه اش را بسته اند و چند تافحش به رژیم دادند . یکی از مادرها بالیخند غمناکی گفت : یعنی امروز بدون گل پیش بچه‌هایمان برویم ” و یکی جواب داد ” خوب عیبی نداره بعضی ها هم منگنه از شهر گل را خرید باشند میتونیم از آنها هم بگیریم “ . بطرف فرزندان ایشان حرکت کردند چنان باشتاب راه می رفتند که گویی آنها بی قرار منتظر هستند و گویی که واقعا ملاقاتی می خواهد صورت بگیرد . یکی از مادرها به آن چند دختر جوان می گفت : ” عزیزانم شما برای چه بیجا آمدید ؟ یکی از آنها گفت : آمدیم پیش برادرم “ . مادر گفت ” اما اگر بجای شما مادران بیاید خیلی بهتر است “ . دختر جوان گفت : ” مادرم - اونها یا او آمدیم اینجا “ . مادر با حالتی جدی گفت : ” می دونی اگر شما فعالیتی داشته باشید اصلاً درست نیست بیائید اینجا . این بی شرفها هفته پیش ۲ پسر جوانی را که آمده بودند اینجا گرفتند و بردند خیلی خطرناکه ، البته این بست فطرتها که ترسند آرند مهم خونتان هستند و باید از خوفتان مواظبت کنید “ . یکی دیگر از مادرها به خند گفت : ” آخه ما الان به نیروی شما بیشتر احتیاج داریم تا بمشاهدات شما “ . روبروی در ، گشت کمینه ایستاده بود و همه با اینکه در قیقا حواسشان به آنها بود اصل گویگرین اعتنائی نمیکردند و همه حرفهایشان را حتی به زبان بلند ترمی گفتند و بیشتر مواظب جوانترها بودند من که از فرط هیجان نفس نفس میزدم و قلبم بمشمت می تپید - زیراً برای اولین بار بود که به آنجا می رفتم همیشه در و دراز از آنجا و از مادرها و پدرها و حرفهایشان خیرد اشتم - گورستان در ظاهر قطعه زمینی بود که قسمتهائی از آن صاف بود ، بعضی جاها ناهموار و بعضی جاها سنگ قبرهائی که خرد شده بود . اما من بیشتر حواسم به روحیه جمعیت بود و حرفد هایشان . آنها باهم صحبت میکردند یا بر سر مزار فرزندان ایشان راز و نیاز می کردند . بر سر مزار اکثر انقلابیون جان باختی گل های پرک ، سبزی گذاشته بودند و هر کس نیچی خوراکی که قبلاً فرزندان دست داشت آورده و به بقیه تعارف میکردند . دوباره نگاهم افتاد بمساک و بقیه‌ها ، بمساک می اندیشیدم ، بمذرهائی که زیر این خاکها بود ، بمذرهائی که شاید حتی با نام یک قطره باران می توانستند درخت تنومندی را سبز کنند . به زندگانی که این چنین آرام و ساکت مارا نظاره می کردند .

زندانی سیاسی آزاد باید گردد ، ترور ، شکنجه ، زندان نابود باید گردد

# نامه يك رفيق ...

میکرد . باخود فکر می کردم که راستی قدرت این گشتها با تمام وسایلی که درست دارند چقدر حقیر و پوئالی است . واقعا که صحنه ها بد نمی بود .

مادری که بایک مشت پوست چروکید هموهای سفید رنج سالهاستم سرمایه داری را بدوین می کشید ، حتی يك لحظه هم بر سر مزار فرزندش نمی نشست و با جابجایی که درست داشت مرتباً همه قبرها را تمیز می کرد و با دیگران حرف میزد . او چهار فرزند داشت که رژیم هر چهار فرزند او را به شهادت رسانده بود . پهلوی نیز به تنهایی سرخاک و دخترش آمده بود و در باره خصوصیات فرزندش بسیار دیگران صحبت می کرد . او می گفت : دختر من از کوچکی تا موقعی که در بیلم بگیرد مدالش از ۱۸ کمتر نشده بود من همیشه او می گفتم تو با استعدادی که داری برو خارج و در آنجا ادلمه تحصیل بده ، اما او همیشه بجای جواب بامن شوخی میکرد . . . . آه ...

بله . . . هر چه با سواد است باید که از بین بروه . واقعا که غیر از این نمی توانند حکومت کنند . دختر من از گروه پیکار بود تو یزندان گفته بود ند که فقط آگه توبه کند کاری با او ند آریم اما او حتی حاضر نشد يك ذره از اعتقادات خودش پائین بیاید . در گوشه ای مادر و پدری بر سر خاک فرزندشان نشسته بود ند و مادر بشدت گریه میکرد و پدر آرام اشک میریخت . پسر کوچکی نیز پهلویان نشسته بود و مرتب صورت مادر را با بوسه میزد . دختر جوانی پیش آنهارفت و خرماتعارف کرد و بعد بهشتان نشست و از پدر پرسید : کی شما اینجا خاک شده ؟ پدر گفت "بسم" و مادر هم گفت : حتی نگذاشتند که با او ملاقات داشته باشیم و وصیت نامه اش را هم به ما ند اند " و دیاره پرسید مال چه گروهی بود ؟ گفتند مجاهد بوده در حالی که مادر حق هق گریه میکرد از پسرش حرف میزد و می گفت "بسم" هفت ماه بیشتر نبود که عروسی کرده بود وقتی او را کشند زنش حامله بود زنش را هم بردند پسر منوع الملاقات بود وزیر شکجه جان داد زنش بچه را در زندان دنیا آورد و مادر آریم او را بزرگ می کنیم . باز گریه کنان بغضش را فرو داد و گفت : همه اش این بچه بمن می گوید پرویم پیش بابا . وقتی میاد اینجا می پرسه بابا گو می گویم زیر این خاک است و بعد خاک را می بوسه .

زن جوان دست مادر را گرفت و گفت شوهر مرا ۶ ماه در زندان نگه داشتند و شب و روز او را شکنجه میکردند من همیشه آرزو میکردم که زود تر او را بکشند اما با اینحال دیاره او را ملاقات کردم دفعه آخر که خودش میدانست آمد امش می کشند همه اش می خندید و به من دل داری می داد و می گفت برایش نگران نیاشم مادر دستهای زن جوان را گرفت و گفت می دانم چه کشیدی .

در تهران گورستان ۳ مادر داشتند باشند تمام کار میکرد ند با دست يك قسمت زمین را

شخم میکرد ند و گندم می کاشتند . آنجا قبر سلطانیپور و تعدادی دیگر از رفقا بود مزدوران رژیم با بلد وزر آنجا را صاف کرده بودند و سنگ قبرها را کنده بودند . آنها بحدی تند کار میکرد ند که صورتشان بشدت عرق کرد و بود و با هم حرف میزد ند و می گفتند که امید داریم این گند مهاسبز شود . در همان حال صدای آوازی شنیدم به آنسو رفتم . مادری ۲ عکس رنگی و بزرگ از ۲ پسرش را روی خاک گذاشته بود و بلند بلند آواز می خواند : " عزیزانم ، عزیزان قشنگم ، می دهم شما خودتون فدای خلق کردید ، می دهم منو پیش این خلق سربلند کردید . فدای افتخار ماست فدای کارگرهای ماست . . . . بعد ساکت شد و گفت همیشه به پسریم می گفتم مادر جان مواظب خودت باش آخرتو را می کشند همیشه می خندید می گفت ما هیچوقت نمی میریم . در این موقع چند نفر دور این مادر جمع شده بودند و با او همدردی می کردند . مادر ادلمه داد : " یکی از پسرهام از دواج کرده ، او رهبر يك قسمت مهبی بود . قبل از دستگیری سیانور خورد و خودش را زنده به دست این جلا دها ند اما پسر کوچکم را یکسال تمام آزیت کردند اما او هم سرش را پائین نیآورد" روه عکس پسرش می گفت : " همیشه به پسر کوچکم می گفتم تو هم از دواج کن تا به سر و سامانی بگیری او می خندید و می گفت من با خلقم از دواج کرده ام . . . با اشاره به قبر های دیگر به عکس پسرش می گفت شما هاتنها نیستید رفقای دیگر شما هم اینجا با شما هستند . زن جوانی آمد و در مورد نحوه دستگیری و شهادت پسرهایش پرسید بعد عکس شوهرش را در آورد و گفت من همه اش ۳۰ روز بود که از دواج کرده بودم . مادر عکس شوهر را نگاه کرد و پرسید فدائی بود دختر گفت آره بعد گفت فدائی ها همه شان اینطور رشید و خوشگل هستند ( اشاره به چند عکس رفیق دختر که شهید شده بودند ) بعد به زن جوان گفت امید وارم همه دشمنهای بچه هایمان سیاه بخت و نابود بشوند . انشاء الله خیمینی پیوسک در رید ریشه و باز شروع کرد به سرود خواندن و از حماسه فدائی ها گفتن از مقاومت رفقا ، از خصوصیات برجسته آنها و باز سرود می خواند . بعد مادر این جوان را محکم در آغوش گرفت و هر دو از ته دل گریستند و برای يكدیگر همدردی می کردند . خانواد معاشی هم که جمع شده بودند آرام گریه میکرد ند .

فکر میکردم که درام از شدت بغض خفه می شوم . باور نمی کردم که این صحنه واقعیت است یا درام خیالی می کنم . نفس کشیدم برایم مشکل شد می بود هم دل می خواست که بمانم و باز این صحنه ها را نگاه کنم هم نشه . به خاک نگاه میکردم اما واقعا باور نمی کردم که این رفقا به این راحتی زیر خاک آرا میگیرند هر چه نگاه میکردم باور نمی کردم همه اش فکر میکردم که آنها یا لا آخره به شکلی جان دارند فکر میکردم که آنها در خوشه گند مها جان دارند . آنها در خیم مردم جان دارند و در کینه این مادرها . واقعا که آنها افتخار خلق زحمتکش و فرزند راستین این ملت

هستند . آنها انقدر بزرگ هستند که مرگ نیز در مقابلشان بزانو درآمده است . زندگی آنها نیز حماسه ای مانند مرگشان بوده . داشتیم فکر میکردم که تکلیف من چیست حالا باید چه بکنم ، دیدم دلم می خواهد با همان شتابی که به اینجا آمده بودم با سرعتی چند برابر بروم زیرا که می خواستم رفقا را پیدا کنم . دلم می خواست که زنده بمانم و بقول آن مادر از نیروی که دارم استفاده کنم . دلم میخواست که از این به بعد باتوانی بیشتر و صد ها بار بیشتر راه این رفقا را ادامه داده و کار کنم و در راه همه اش به یاد حرف رفیق صد بودم که می گفت :

" مرگ خیلی آسان می تواند الان به سراغ من بیاید ، اما من تا می توانم زندگی کنم نباید به پیشواز مرگ بروم . البته اگر يك وقتی ناچار بامرگ روبرو شدم که می شوهم نیست ، مهم اینست که زندگی بامرگ من چه اثری در زندگی دیگران داشته باشد . . . ."

## قسمتهائی از شعر بلند بهار ۵۱

### افدائی شهید رفیق شهید سلطانیپور

در برک های بهار پنجاه و یک  
گلشن های خون تاب می خوردند  
صد مادر سوگوار  
با جامه های مسکی  
بر نرده های دادرسی

سر می گویند

صد پدر سوگوار  
با نوارهای ساه

در بازار می کردند  
کوزن جوان

با شاح های خونین  
در دیوار شهر اعلان می گوید

و از کوچمه صدای گلوله می آید  
رها کنید

رها کنید شانه و بازویم را  
رها کنید مرا

تا ببینم . . . .

من این گل را می شناسم  
من این گل را می شناسم

من با این گل سرخ  
در فهوه خانه ها نشستم

من به این گل سرخ  
در میدان راه آهن سلام دادام

آ . . . .  
من اس گل را می شناسم

دسانش دو کیوتر بودند  
بر ساحه تفنگ

در کودکی  
در کند مزار می چرخید

در جوانی در گلوله ها  
با این دهان خونین

من این گل را می شناسم  
چون کوهی از آتش برمی خیزم

و روی تجربه های خونین شهادت  
مرثیه سوزان زمانه را می شناسم

و با اوراقی که چون گل در جیب هام شکفتند  
به سوی سازمان مردم پیش می روم



# انقلاب یا ...

تاکتیکهای خود را بر آن اساس قرار دادند. بعد در سال ۱۹۱۷ زمانیکه منوسیم هنوز تاکتیکهای خود را بر بنیاد بسط سرمایه - آری و به این طریق رشد نیروهای مولده جهت کامل کردن " این حلقه ضروری در تاریخ بشر " بنانهاد و شوهرهای انقلابی را به تبعیت بورژوازی در آوردند، لنینین و بلشویکها ترهائی اوریل را در مقابل آن قرار دادند و انقلاب اکثر را که از دید گناه اگنومیسستها يك گناه کبیره به حساب میآمد به پوزی رساندند.

بطوریکه از این شواهد تاریخی مشاهده می شود که نظریات اگنومیسستها در هم محال به بسط مناسبات سرمایه آری و از این طریق رشد نیروهای مولده خلاصه می شود.

اگنومیسستها البته در حرف منگروسسیالیسم نیستند و ظاهراً " اعلام نیز نمیدارند که بسط سرمایه آری رافی نفس طالبند. اگنومیسستها اما تحول به سوسیالیسم را موقوف به بسط کامل مناسبات سرمایه آری و رشد نیروهای مولده می کنند. و این امر را در هر زمان و تحت هر شرایطی همچنانکه نمونه های تاریخی بسیار گواه آن است) هدف خود قرار میدهند. از این لحاظ تکامل گرایی تدریجی صفت مشخصه اگنومیسستها میگردد.

در ادامه مقاله، بینش اپورتونیسیم راست نسبت به مبارزه طبقاتی و بینش تکامل گرایی تدریجی سیاسی که بر پایه بینش اگنومیسستی آنها از تحولات اجتماعی قرار در بررسی میشود و توجیهاتی را که توسط آن این اپورتونیسیم در ایران که منظرهات خود را می پوشاند تا انقلاب بورژوازی موقتیک و رهبری نیروهای غیر پرولتری بر انقلاب را تحلیل مشخص از شرایط مشخص جایزند مورد توجه قرار میدهم.

## تصحیح و پوزش

در مقاله انقلاب پارفرم مندرج در کار ۱۸۸ چند اشتباه تایپی و جا افتادگی وجود داشته که بدین ترتیب تصحیح می شود:

۱- صفحه ۵ ستون ۲ سطر ۱۰ تبیین علمی تایپ شده که صحیح آن تبیین علمی است.

۲- صفحه ۵ ستون ۳ سطر ۱۰ برخوردی جزئی تایپ شده که صحیح آن برخوردی جدی است.

۳- صفحه ۶ ستون ۳ سطر ۱۸ از آخر پس از این سطر عبارتی از قلم افتاده که با احتساب آن عبارت کل جمله بصورت زیر است " این دو جریان در عین حالیکه از یکدیگر قابل تمایزند اما برهم منطبق اند. این دو جریان از یکدیگر متمایزند زیرا که نتایج نظری هر یک که مبتنی بر اسلوب تبیین انقلاب است منتها از یکدیگر مجزا است بلکه ظاهراً در دو قطب

## جدائی

### حزب دموکرات کردستان ایران از شورای ملی مقاومت

اخیر نشریه خود جدائی خود و شورای ملی مقاومت را از حزب دموکرات کردستان ایران اعلام نمودند. سازمان مجاهدین خلق که در این سرمقاله دلیل جدائی از حزب دموکرات را " نیستن در مذاکره بسوی رژیم خمینی " اعلام نموده است مدعی است که این جدائی موجب تلاشی و فروپاشی شورای ملی مقاومت نشده بلکه منجر به استحکام آن خواهد گردید. گذشته از اینکه این جدائی از حزب از چه موضعی باشد، این واقعیت را مجاهدین خلق نمی توانند کتمان کنند که پس از جدائی بنی صدر از " شورا " و نیروی اصلی آنرا حزب دموکرات و سازمان مجاهدین خلق تشکیل میدادند که با این جدائی، " شورای ملی مقاومت " عملاً فروپاشیده است. مجاهدین خلق برای اینکه نشان دهند

در اوایل اسفند ماه، مجاهدین خلق در سرمقاله " مجاهد " رسماً " جدائی خود و " شورای ملی مقاومت را از حزب دموکرات کردستان اعلام نمودند.

در سرمقاله مجاهد که به همین منظوره اختصاص یافته، گفته شده است: " خود احافظی با حزب دموکرات برای " شورای ملی مقاومت " و سازمان مجاهدین خلق تا ساف انکیز است، اما چه باید کرد اصول زانی شود فدای مصلحت اندیشی روزمره نمود. " و مجدداً میگوید: " علیرغم ارزش شستی که ماندن حزب در شورا برای جنبش داشت، به دلیل نیستن در مذاکره بسوی رژیم خمینی، ما ناگزیر اتحاد خود مان را با حزب پایان یافته تلقی کردیم. این اعلام شرمگینانه جدائی حزب دموکرات کردستان از " شورای ملی مقاومت " در -

حقیقت اعلان پایان یافتن و انحلال علمی شورای ملی مقاومت بعنوان یک ارگان بورژوازی - لیبرالی است که در سال ۶۰ با اتحاد میان سازمان مجاهدین خلق و بورژوازی لیبرال به رهبری بنی صدر تشکیل گرفت و سپس حزب دموکرات ایران نیز به آن پیوست. از همان آغاز شکل گیری " شورای ملی مقاومت " کاملاً روشن بود که این ائتلاف به دلیل فقدان یک خط مشی انقلابی و ارائه یک برنامه بورژوازی رفرومیستی که به هیچ وجه پاسخوری اساسی ترین خواسته های توده های مردم ایران نبود نمی توانست در وضعیت سیاسی حاکم بر ایران در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نقشی ایفا نماید و طی یک پروسه روند فروپاشی و تلاشی آن قطعی بود.

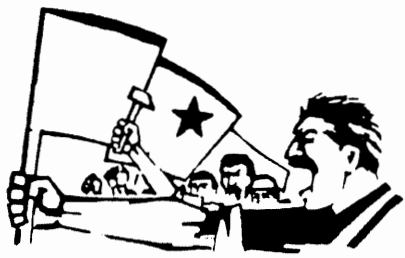
در پی به دراز کشیدن سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی گروهی از لیبرالهای شورا به رهبری بنی صدر، چند ماه پیش از شوراجد شدند و هنوز چند ماهی از جدائی بنی صدر نگذشته بود که اختلافات میان دو نیروی اصلی این ارگان بورژوازی - لیبرالی یعنی سازمان مجاهدین خلق و حزب دموکرات ایران شدت گرفت تا بالاخره مجاهدین در شماره

که شورای مقاومت تلاشی نشده و از هم نپاشیده است، البته می توانند نام خود را عوض کنند و از این پس نام خود را " شورای ملی مقاومت " بگذرانند. چون غیر از سازمان مجاهدین خلق دیگر هیچ نیرویی که دارای پایگاه اجتماعی باشد در " شورا " وجود ندارد و سازمان مجاهدین خلق نمی تواند در عین حال هم سازمان مجاهدین خلق باشد و هم به تنهایی " شورای ملی مقاومت " به سرور باجد شدن مجاهدین و حزب دموکرات و فروپاشی علمی " شورای ملی مقاومت " روشن گردید که هرگونه راحل های بینابینی برای برخورد با مسائل ایران با شکست قطعی روبروست. توده های مردم ایران که از همان آغاز نیز هیچ اعتقادی به " شورای ملی مقاومت " نداشتند یا انحلال آن بیش از پیش به این واقعیت آگاهی می یابند که تنه راه پایان بخشیدن به وضعیت اسفبار حاکم بر ایران، راحل انقلابی دموکراتیک مسائل ایران است که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در برابر عموم توده های ایران قرار داده است.

کاملاً متضاد قرار ارد.

۴- صفحه ۱۲ ستون اول سطر ۳۳ در در این سطر یک عبارت از قلم افتاده که جمله کامل بقرا زیر است: " از درك اشکال متنی که انقلابات و قدرت سیاسی بخود میگیرند، عاجز می ماند و ویژگی ها و اشکال مشخص نقاط اتصالی دو دوران تاریخی در یک جامعه مشخص را نادیده میگیرد "

۵- صفحه ۱۲ ستون ۲ سطر ۲ سطر صحیح باینصورت است: " خود راهم طلب می کند. بورژوازی یا خرد بورژوازی ... "



## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



### بررسی اشکال مبارزاتی ...

دلیل دعوا و مناجره بامد بریت اخراج شد و موارد مشابه نیز بسیار است. نظر کارگران اینست که مد بریت به پیمانهای مختلف کارگران را اخراج می کند تا با حقوق پایه ۶۳۵ ریال کارگر جدید استخدام نماید. و پس از کارخانه جامکولر (جامه) در مهرماه ۶۳ اخراج محرم داشتن و وکودک صورت گرفت. یک کارگر زن به دلیل داشتن دو بچه و بخاطر اینکه کارخانه مهد کودک نداشت اخراج گردید. گزارش دیگری حاکیست که در پارک ارم با آسمان از فصل زمستان تعدادی از کارگران اخراج شدند. در اعتراض به این امر یکی از کارگران گفت: «طبق قانون کار پس از ۳ ماه و ۱۰ روز کار نمی توانید اخراج کنید. مد برعامل پارک می گوید اون قانون طلغوت بود قابل ذکر است که پارک ارم - تحت پوشش بنیاد مستضعفان است.

۴- جویشی را اختناق در کارخانجات: رژیم به اشکال مختلف سعی دارد تا کارگران را شددید ۱- تحت کنترل قرار دهد. در این رابطه مزدوران انجمن اسلامی بخش حراست که شاخه ساواک در کارخانجات هستند هر یک به شیوه خود سعی در اعمال کنترل بر کارگران دارند. نفرت کارگران از انجمن اسلامی و مزدوران حراست انجمن عمیق و آشکار است که خود این جبرمخواران کاملاً بران واقفند. مادر بخش دیگری باین ساله خواهم بود اخت. رژیم مزدورانش برای جلوگیری از بخش اعلامیه و تراکت و رسیدن آنان به کارگران این مزدوران را مرتباً در حال آماده باش نگه میدارد و همچنین در مقابل درب بسیاری از کارخانجات استحکامات ویژه دیده بانی دایر کرده است. دیوارها را بالا برده، در بهای ورودی راه محدود کرده و راههای ورودی به کارخانجات بویژه در موقعیتهای خاصی نظیر اول ماهه و ... در شبید است تحت مراقبت قرار میدهد. در بسیاری از مراکز تولیدی، بدن گردی در هنگام ورود و خروج اعمال می شود تا احتمال حمل و بخش اعلامیه را خنثی کند.

در کارخانجاتی نظیر (هلی کوپتر سازی) لیستی از شیلهای خاص تهیه شده و کسانی که در آنجا کار می کنند کاملاً از نظر اداره حراست شناسائی شده اند تا خبرها در رز نکنند. همچنین هر کارگری که سه ماه غیبت داشته باشد فراری محسوب شده و تحت پیگرد قرار میگیرد. اخیراً از سوی دادستانی در برخی از کارخانهها فرم هایی به کارگران داده شده که بایست مشخصات خود و خانواده، محل کار در کارخانه محل کار قبلی، علت خاتمه کار قبلی و اینکه در کدام ارگان (سیاه، سیخ، جبهه) شرکت داشته اند به علاوه آدرس کامل منزل خود را نوشته و با الصاق عکس تحویل دهند. این حرکت بخاطر شناسائی بیشتر کارگران و جلوگیری از ادامه فعالیت کارگران پیشرو داده شده است. همچنین به کارگران با اصطلاح نمونه

یاقول کارگران به جاسوسان مرتباً میزایاشی تعلق میگیرد. فی المثل در گزارشی آمده: «بیسکویت کرجی - به کارگران نمونه» یا بقول کارگران به جاسوسان «مترور یا ماها» ۱۰۰ جایزه دادند. زهنیت کارگران این بود که این نوعی رشوه و تشویق به جاسوسی بیشتر و فریب کارگران است. همچنین در کارخانه دیگری «رئیس دایره سیاسی اید ثولوزیک، بیرونده همه کارکنان را مطالعه کرده و از جاسوسها خواسته که اگر حتی هرگونه صحبتی در کارخانه می شود فوراً اطلاع دهند».

گزارش دیگری حاکیست «تولید در اور - کارگری که تنه اهدت. ۱۰ روز توسط سرکوب - گران دستگیر و سپس آزاد شده بود به دلیل نداشتن ورقای مبنی بر رفع سوء ظن اخراج گردید» در رابطه با کنترل پلیسی نامه های مراسلات کارگران نیز گزارشی در ریافت داشتیم منطبقه رفیقی از جاکو می نویسد: «نامه هایی که به کارخانه می آید ابتدا در دبیرخانه کنترل می شود و سپس به کارگران داده می شود». این حرکت رژیم ناشی از وحشتی است که سرمایه داران از رسیدن اعلامیه های نیروهای انقلابی از طریق پست سرخ به کارگران دارند.

علاوه بر این تمهیدات، رژیم برای جلوگیری از ورود کارگران پیشرو و آگاه به کارخانجات، در شیوه استخدام نیزه سیاستهای پلیسی متوسل می شود. در این رابطه به نحوه استخدام در صنایع دفاع اشاره می کنیم: «در مرحله اول استخدام، فرمی در اختیار متقاضیان قرار میدهند. در این فرم سوالهایی از بد و زندقی تا لحظه کنونی متقاضی شده که باید به آنها جواب داده شود و مشخصات تمامی افراد خانواده و وابستگان نزدیک بصورت کلی خواسته شده است که بشرح زیر می باشد:

- الف - در چه خانواده ای متولد شده اید؟
  - ب - آیا از طرف ساواک یا ارگانهای دولتی رژیم سابق یا نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی تحت تعقیب و بازداشت یا زندان بوده اید یا نه؟
  - پ - آیا بستگان شما ... طبق سوال بالا.
  - ت - چند نفر از دستان خود را نام ببرید.
  - ج - نام چند پاسدار که شمارا می شناسند.
- سپس به متقاضی پس از برگردن فرم اول، فرمی داده می شود که عیناً مانند فرم اول است به این امید که شاید با تناقض گویی ها بتوانند در کارشان موفق شوند. از نظر تکمیل پرونده جاسوسی و عنوان آخرین اتمام حجت نمایندند حفاظت و حراست (بخوان ساواکا) برای متقاضیان صحبت می کند. شما برادران که به این مکان آمد اید سعی کنید افراد ضد انقلاب را شناسائی کرده و سه ما معرفی کنید. البته ما اینگونه افراد را شناسائی خواهیم کرد. سعی کنید شما کاری نکنید که برای خودتان یا خانواده تان دردسر ایجاد کنید. چون سازمان ما آنقدر قوی است که اینگونه مسائل را فوراً کشف می کند و سپس با ذکر نمونه هایی از شاهکارهای

سازمان حراست به موعظه خود پایان میبخشد. برای هر متقاضی نیز زمان معینی حدود پنج الی شش ماه برای تحقیق در نظر گرفته شده است».

گزارش دیگری که مربوط به کارخانه دخانیات است حاکی از جو پلیسی و ارباب در این کارخانه است: «جو کارخانه - دخانیات همچنان پلیسی و اختناق السود است. بخشی از کارمندان اداری در قسمت سلختمان زیرین کارخانه که ملواز سومات است قرار داده اند. جبرمخواران رژیم در کلیه قسمتهای کارخانه مدام پرسه میزنند تا کارگران بایکدیگر صحبت نکنند. یکی از کارگران قدیمی کارخانه که حدود ۳ ماه در زندان بود بعد از چند روز آزادی به کارخانه بازگشت ولی مدتی نگذشت که وقتی قصد رفتن به منزل را داشت توسط یک ماشین ناشناس به منطقه قلعه مرغی تهران برده شد و آنقدر این کارگر را زندک و ویایش شکسته بود. از زنده بودن یا نبودن او هیچ اطلاعی در دست نیست».

علاوه بر جو پلیسی در کارخانجات و کنترل شدید در مورد استخدام، رژیم در محلات کارگری و شهرک های کارگری نیز کنترل شدیدی اعمال می کند از جمله در گزارشی از ایران ناسیونال آمده:

در شهرک پیکان شهر که مجتمع مسکونی کارگران ایران ناسیونال است بخاطر پخش اعلامیه های متعدد و نوشتن شعار بر دیوارها اخیراً از طرف انجمن اسلامی کنترل شدید. تشری اعمال می شود و به همین منظور یک گرد همائی در مسجد محل برگزار شد تا به ظاهر از کارگران در مورد وضعیت شهرک نظرخواهی شود. در این جلسه که زنان و مردان کارگر شرکت داشتند، خجسته نمایندند فرمایشی کارگران با متمسک قرار دادن مسأله زدی و اینکه اخیراً در شهرک در زدیهای زیادی می شود، پیشنهاد می کند که درب شهرک را کنترل نمود و درب ماشین رورا با زنجیر بسته و میله های آهنی هم برای رفت و آمد افراد نصب شود و مثل شهرکهای نظامی کارت عبور و کارت ورود و خروج برای افراد و بخصوص مهمانان صادر شود. سپس به کارگران می گوید که پیشنهادات خود را در دقتی که به همین منظور تهیه شده است کنند. از فردای آنروز میله های آهنی بطوری که فقط یک نفر قادر به عبور از آنست در جلو درب ورودی گذاشته شد و درب اصلی با زنجیر بسته شد و سایر محلهای که به اتوبان راه داشت بسته شده است. جالب اینست که همین خجسته در گرد همائی مسجد عدای از حزب اللهی باراکه بخاطر تظاهر و نه فری سبیل الله به مسجد می آیند گوید و اکثر کارگران این تفاوتی و تمسخر از کنار این طرح ضد کارگری گذشتند.

کارگران که تصور میکردند تجمع بخاطر مسائل و مشکلات شهرک است کاملاً متعجب شده بودند. یکی از کارگران می گفت: «بدر سگها انکار همه در هاراد رمون کردن، موند فقط راههارا ببینند».

کلیه موارد ارائه شده و بسیاری موارد بقیه در صفحه ۱۵

### بررسی

مشابه حاکی از تریس رژیم از آگاهی و تشکلی کارگران است و بررسی نه‌هت کارگران در رابطه با جو پلیسی حاکم بر کارخانجات و محلات کارگری نشانگر آنست که اکثر کارگران دیگر موعوب این تاکتیک‌هانی شوند. ما در بخش مربوط به اشکال مبارزاتی کارگران به این ساله خواهیم پرداخت.

۶- نظر کارگران در مورد انجمن اسلامی و شورای اسلامی در کارخانه‌ها:

اصولاً کارگران این دو ارگان فرمایشی را عوامل رژیم و جدا از خود می‌دانند.

فلسفه ایجاد شوراهای اسلامی، اساساً شیوه‌ای بود که از سوی رژیم برای درهم شکستن شوراهای واقعی کارگران به‌کار گرفته شد و اکنون که این رسالت رانجام داده می‌شود انجام رساله این ارگان ضرورت وجودی خود را از دست داده است اما انجمن اسلامی

بمشابه ارگان جاسوسی در عین حال مسرّوج مذهب و تحمیل‌گر کارگران همچنان نقش ایفای‌کننده و این را نیز کارگران به‌خوبی و با پوست و گوشت خود لمس کرده و به آنها

مختلف نفرت خود را از این مزدوران به‌نمایش می‌گذارند: "در سرویس یکی از کارخانه‌ها یکی از کارگران عضو انجمن اسلامی، در حین شوخی حرف‌ریکی زد و دیگری به او اعتراض کرد وقت با این حرف آبروی انجمن اسلامی را بردی. در این موقع یکی از کارگران در جواب گفت مگر انجمن اسلامی آبروی هم داشت که برود و همه کارگران حاضر در

سرویس باخند و خود حرف او را تصدیق کردند. موارد مشابه شد که نفرت کارگران از انجمن اسلامی، آنان را به‌تائید ضمنی برخی از

حرکات مد‌پریت وامیدارد. فی‌المثل و بویژه در کارخانجاتی که به‌بخش خصوص بازگشته و دخالت‌های انجمن اسلامی در مد‌پریت، اختلافاتی پدید می‌آورد و مد‌پریت دست به

محد و دیگر فعالیت‌های آنان زده و این امر موجب خوشحالی کارگران شده است. این حرکت در سال ۶۳ شدت بیشتری یافته است.

اما انجمن اسلامی برای جلب کارگران شیوه‌های متفاوتی برمیگزیند از جمله در کارخانجات گروه صنعتی رنا به‌مناسبت دهه فجر مسابقه قران ترتیب داده شد و عنوان جایزه مسافرت مجانی به مشهد در نظر گرفتند اما استقبال چندانی نشد. از دیگر اقدامات انجمن اسلامی ترتیب نماز ظهر در کارخانجات است که این نیز باورشکستگی کامل مواجه شده است از جمله:

"پارس‌تال - از ۱۵۰ نفر کارگران شیفیت صبح تنها ۲ نفر نماز شرکت کرده بودند که با اعتراض اخوند پیش‌نماز مواجه شد او گفت اگر یک ضد انقلاب اینها ببینند چه می‌شود؟ اما سرانجام به دلیل عدم شرکت کارگران در برنامه‌های نماز، طی ۴ ماه گذشته بساط نماز برچیده شد. در

مورد شورای اسلامی همچنانکه گفته شد اصولاً برای کارگران این ارگان فرمایشی

یک ارگان وابسته به رژیم مورد است بطوری که بر علیه شوراهای اسلامی حرکاتی نیز صورت گرفته است. فی‌المثل در کارخانه تریسون اخیراً به‌تقاضای کارگران جمع‌عمومی تشکیل گردید و شورای اسلامی شد پد ۱۱ از سوی کارگران مواخذه شد. کارگران می‌گفتند این چگونه شورائی است ما شورا نمی‌خواهیم. اصلاً "محد و به فعالیت‌ها و کارهای اجرائی آن چیست؟ اعتراض به شورای اسلامی آنچنان شدت گرفت که مد‌پریت در این جلسه گفت: اگر "شورا" نمی‌خواهید نامه به وزارت صنایع بنویسید و همه امضا کنید تا رسیدگی شود.

۷- برخورد کارگران با مراسم فرمایشی رژیم: رژیم تلاش در تدابیرناست‌های مختلف برنامه‌های تدارک دیده و کارگران را باشکال مختلف فریب دهد. گاه مراسم عزاداری - برای امامان شهیدش ترتیب می‌دهد و گاه سالگرد های مرگ مزدوران و سردمداران سابق رژیم برگزار می‌شود که به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم و برخورد کارگران را نسبت به آن مورد بررسی قرار می‌دهیم:

"پارس‌تال - به‌مناسبت نیمه شعبان مراسمی برگزار شد که ساعت تعویض شیفیت بود. کارگران شیفیت صبح بی‌اعتنا به حمام رفتند و یاد رحوطه و پای سرویسها مجتمع شدند. کارگران شیفیت بعد از ظهر در رحوطه نشسته بودند و منتظر پایان مراسم بودند.

"پنجا - سالگرد مراسم رجائی و باهنر توسط انجمن اسلامی برگزار شد (۶/۸) که اکثریت کارگران شرکت نکرده بودند.

"سلسل‌سازی - در سخنرانی انصاری به‌مناسبت هفته جنگ تنها ۵۰ نفر شرکت کردند. در طی سخنرانی چند بار اسم خمینی آمد که حدیود ۳ نفر تکبیر گفتند. در این مراسم از آنجا که کارگران شرکت کنند می‌خواست رفتن بودند محبور شدند با کلاب پائی آنها را از خواب بیدار کنند و سخنرانی با آبروریزی تمام شد.

"بیسکویت گرجی - ۲۲ بهمن روز چهارشنبه ۱۷/۱۱ / اطلاعیه‌ای از سوی مد‌پریت صادر شد در مورد اینکه شنبه ۱۱/۲۰ کارگران شیفیت بعد از ظهر باید ساعت ۱۲ در کارخانه حاضر باشند. روز شنبه ۱۱/۲۰ ساعت ۱۲ تولید متوقف گردید و کارگران را به مراسم فراخواندند. نماینده امام جمعه شهریار، شهرد ارویخند او و نماینده باصطلاح شهریار در مجلس نیز دعوت شده بودند.

صحبت‌های مد‌پرچاکی از وحشت رژیم از رشد جنبش‌کارگری بود او گفت: اخیراً "ایمن بازمانده و پس‌مانده" گروه‌های چپ دست به اقداماتی زدند و میخواهند کارگران را منحرف کنند. سپس جناب اخوند امام جمعه و بقیه مد‌عوین صحبت کردند. یکی از آنها گفت: ما برای نان و رفاه و مسکن انقلاب نکرديم و... در این مراسم سی هزار تومان از دسترنج کارگران صرف تبلیغات و شیرینی و میوه اجاره صندوقی و غیره جمع شد.

کارگران می‌گفتند: "اخواند شکش سیر بود عجب داد میزد" و "خرش از پل گذشت مورفته

تو مجلس حالا میگه کار بکنم فکر رفاه‌باشید" و "پد رسوخته خجالت نمی‌گشه می‌گه کاروسکن و رفاه را کمونیست‌ها می‌کن" و کارگرد دیگری ادامه داد: "پس همه کارترا کمونیست هستند چون همین چیزارو میخوان" دیگری می‌گفت "مگه گنده پرخویش شکش سیراست آمده اینجا چند پات بهما تحویل بده" و...  
تعدادی از کارگران از هراس آنها از نیروهای چپ صحبت میکردند. تعدادی اساساً در مراسم شرکت نکردند و تعدادی از شرکت‌کنندگان هم اصلاً توجهی به صحبتها نداشتند.

در جمع‌بندی از نهیت کارگران و زحمتکشان در زمینه‌های مختلف مساله رشد آگاهی آنان کاملاً مشهود است و انعکاس آنرا میتوان در رشد کیفی مبارزات انسان بر علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی مشاهده کرد. ما در بخش دوم مقاله که به بررسی اشکال مبارزات کارگران و زحمتکشان اختصاص دارد به این امر خواهیم پرداخت.

### مرگ بوجنگ، مرگ بر رژیم

جمهوری اسلامی با شعار برقراری جمهوری دموکراتیک خلق پیوند ارگانیک برقرار کند. هواداران سازمان باید شعار "مرگ بوجنگ، مرگ بر جمهوری اسلامی، برقرار سازد جمهوری دموکراتیک خلق را به‌تائید یکی از مهمترین شعارهای تبلیغی وسیعاً به‌مناسبت توده‌ها بپردازند.



بیسکویت گرجی - ۲۲ بهمن روز چهارشنبه ۱۷/۱۱ / اطلاعیه‌ای از سوی مد‌پریت صادر شد در مورد اینکه شنبه ۱۱/۲۰ کارگران شیفیت بعد از ظهر باید ساعت ۱۲ در کارخانه حاضر باشند. روز شنبه ۱۱/۲۰ ساعت ۱۲ تولید متوقف گردید و کارگران را به مراسم فراخواندند. نماینده امام جمعه شهریار، شهرد ارویخند او و نماینده باصطلاح شهریار در مجلس نیز دعوت شده بودند.

صحبت‌های مد‌پرچاکی از وحشت رژیم از رشد جنبش‌کارگری بود او گفت: اخیراً "ایمن بازمانده و پس‌مانده" گروه‌های چپ دست به اقداماتی زدند و میخواهند کارگران را منحرف کنند. سپس جناب اخوند امام جمعه و بقیه مد‌عوین صحبت کردند. یکی از آنها گفت: ما برای نان و رفاه و مسکن انقلاب نکرديم و... در این مراسم سی هزار تومان از دسترنج کارگران صرف تبلیغات و شیرینی و میوه اجاره صندوقی و غیره جمع شد.

کارگران می‌گفتند: "اخواند شکش سیر بود عجب داد میزد" و "خرش از پل گذشت مورفته

### پیرامون درگیری های ...

سازمان سیاسی بازمی گرد که هیچیک نمی توانند در آرای یک مثنی منجم برای پیروزی جنبش باشند . واقعیت این است که در کردستان ، بعثت عقب ماندگی مناسبات تولیدی ، کمیت محدود پرولتاریا و ستمی که سالهاست بر خلق کرد اعمال شده است ، جنبش اسامی " خرد " بورژوازی باگرایشات شدیدا " ملی " شکل گرفته است و نقش طبقه کارگر و رهبری آن در این جنبش بسیار محدود است و بنا به همین علت است که حزب دموکرات و کومله نقش برجسته ای در این جنبش کسب کرده اند . اما هیچیک از این دو سازمان قادر نیست رهبری پیروز - مندانه جنبش را در دست داشته باشد .

این دو سازمان که در آرای جنبش محدود منطقه ای بوده و سازمانهایی باگرایشات شدیدا " ملی " هستند در شیوه حل مسائل سیاسی ، در برخورد با اختلافات فی مابین نیز دچار این محدود نگری هستند .

درک محدود از مسائل و چشم اندازهای جنبش انقلابی خلق کرد واهداف محدود این دو نیرو بازتاب عملی خود را در تلاش و طرفی برای تحمیل جبری انورته خود بر دیگری آشکار می سازد . توسل به نیروی نظامی و درگیری های خونین و گسترده حزب دموکرات و کومله خود نمود بارزی از واقعیت های انکارناپذیر در دهه گاه ناسیونالیستی و تنگ نظرانه هرد و نیروست . گرایشات شدیدا ملی سبب شده است که هیچیک از این دو نیرو نتوانند یکدیگر را تحمل کنند و اختلافات فی مابین را بشیوه اصولی حل کنند . از اینرو پیش از آنکه این درگیری های مسلحانه و خصمانه بازتاب شدت تضاد های طبقاتی و تضاد میان دهقانان مرفه و لایه های میانی و پائینی خرد بورژوازی باشد که حزب دموکرات و کومله نمایند " سیاسی آنها محسوب میگردد و بازتاب ناتوانی عملی در رهبری جنبش و بحران رهبری آن است . انکشاف مبارزه طبقاتی در جامعه امروز کردستان آزان - چنان حدث و شدتی برخوردار نیست و تفکلیطیقتی آنچنان صریح و روشنی در این جنبش صورت نگرفته است که تضاد های طبقاتی الزاما " بیان حدث و شدت خود را در درگیری های قهرآمیز پیدا کنند .

اهداف بلاواسطه این جنبش ها را بنا به شدت عمومی آن و پاتوجه بیکمیت عظیم اقشار غیرپرولتری شرکت کننده در آن ، رهائی ملی و پایان دادن به وضعیت اجتماعی ناشی از موجودیت ستم ملی تشکیل می دهد . اهدافی که بیان آشکار و عملی خود را در ابتلای جنبش جنبش هایی به احساسات ناسیونالیستی شدیدا تحت عنوان و توجیهی از سوی این یا آن نیرو آشکار می سازد .

از همین رو نیز در شرایط عدم وجود تفکلیطیقتی آشکار در درون جنبش انقلابی خلق کرد که به لحاظ عینی امری اجتناب ناپذیر است ، اختلافات امروز حزب دموکرات و کومله بیش از آنکه انعکاس ففیری و جبری تحولات درونی جنبش انقلابی خلق کرد بایشیوانه عظیم توده های و اهداف - رادیکال آن باشند ، بیان کاذب حتمیت تاریخی در زدنیت محدود امروز آنهاست . این درگیری ها علامت گرایشات راست روانه از یکسو و تعالیات ماجراجویانه از سوی دیگر است .

حزب دموکرات باخورداری از مذاکره برای آتش بس به این درگیری ها در امن میزند تا با سلاح کومله را تحت هژمونی خود قرار دهد و کومله نیز در جهت تامین هژمونی خود به سلاح توسل جسته است ، بدین آنکسه سلاح مورد نظر این یا آن نیرو ، انعکاس و بازتاب قدرت بالفعل اجتماعی معینی در شرایط کنونی باشد و اراده " پختاز مبارزه " جاری را نمایندگی کند . اراد مینت این یا آن سلاحی که امروز در ستاورد های مبارزه کنونی را آماج اصلی خود قرار داده است ، بیش از آنکه اراده واقعی جنبش کنونی باشد ، روحیات عقب مانده و خموده و احساسات خام و برتری طلبانه عقب ماندترین بخشهای جنبش کنونی است .

امروز دیگر هیچکس پوشیده نیست که جنگ حزب دموکرات و کومله با ابعاد گسترده ای که به خود گرفته است و پاتوجه چشم اندازهای محتمل آن ، نمایند " سیر صعودی جنبش کنونی و ارتقاء ضروری مبارزه طبقاتی جاری در کردستان نیست ، بلکه بیان سیر نزولی و قهقرائی گرایشات عقب مانده و اقتضای طبقات میانی و فرسایش درونی آنها و بی کفایتی محتوم آنها در هدایت یک جنبش عمومی است که بجز تضعیف پتانسیل انقلابی جنبش ، تضعیف روحیه مبارزاتی توده های مردم ، تحلیل بودن انرژی پیشمرگان طرفین در یک جنگ فرسایشی و نه پاتا " ضریات سنگین بر دیگر جنبش خلق کرد در مرحله " کنوسی مبارزه نخواهد بود . واقعیات تلخ این درگیری ها یکبار دیگر بر همگان آشکار ساخت که احزاب و سازمانهای بورژوازی و خورده بورژوازی ولو با داشتن پایگاه توده ای و تحریک نظامی ، تنها تا قطع معینی می توانند در این جنبش ها نقش برعهده گیرند ، و لسی بهیچوجه نمی توانند چشم انداز پیروزمندی را برای جنبش های ترسیم نمایند . تفوق چنین جریانهایی در جنبش های انقلابی ملیت های تحت ستم ، در شرایط عدم حضور قدرتمند طبقه کارگر و نفوذ سیاسی گسترده " آن مساوی باضایعات جبران - ناپذیری برای این جنبش ها خواهد بود .

امروز دیگر توده آوم خونین درگیری های حزب دموکرات و کومله نه تنها بی کفایتی این جریانها در هدایت جنبش کنونی را

### ضرورت آمادگی کارگران برای ...

هواداران سازمان قرار دارد . آنها باید از هم اکنون در کلیه مراکز و محلات کارگری ، دست بنوشتن شعار و پخش اعلامیه و تراکت در باره تعطیل روز اول ماه مه و دعوت به تظاهرات ضد جنگ بزنند . کارگران بشود باید در کارخانه ها ، مجتمع ها و محلات کارگری ، فعالیت سازمان یافته منظم و مستمری را در این زمینه در میان کارگران پیش ببرند . کارگران بشود و کلیه هواداران سازمان باید علاوه بر تبلیغ شعار " روز اول ماه مه را بیروز تظاهرات علیه جنگ ارتجاعی تبدیل کنیم " با در نظر گرفتن وضعیت که در آن قرار دارند ، گامهای موثری در جهت تحقق عملی این شعار بردارند . مثلا " مجتمع های مستونی کارگران ، پاتوق ها و مراکز تجمع کارگری ، اردوگاه های آوارگان جنگی و ابتکلیهم می توانند بعنوان مراکز برای تجمع و آغاز جنبش و تظاهرات روز اول ماه مه در نظر گرفته شود . طبقه کارگران آریان به آن حد از قدرت و توان لازم دست یافته است که روز اول ماه مه به رویش مستقیم و آشکار با رژیم جمهوری اسلامی برخیزد .

## کودتای ...

قوانین ارتجاعی اسلامی و محاکم شرع در سود آن هستند . توده ها خواستار ادامه مبارزه و برجیده شدن حکومت کودتاچیان هستند . ژنرال رحمان و ارتش دولت خود را تشکیل داده و حکومت نظامی برقرار کرده اند . توده های مبارز و تحت ستمی که در جنوب سود آن مبارزه می کنند خواستار قبضه قدرت توسط توده ها هستند و اعلام داشته اند همچنان به مبارزات خود ادامه خواهند داد . کارگران و زحمتکشان انقلابی سود آن تا امروز ۲۳ فروردین برعزم خود استوارند . آنها میدانند که هرگونه ماشاتی با کودتاچیان مساوی با از دست دادن تمامی دستاوردهای انقلابی و چشم اندازی خفت بارتر از گذشته به دنبال خواهد داشت .

بیش از همیشه و در عین آشکار ساخته است بلکه اهداف پیروزمند آنرا نیز هر روز بیشتر از روز پیش به مخاطره افکنده است .

## کمیته های مخفی مقاومت را در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

# کودتای ...

سقوط با همدستی سرهنگ قذافی طرح یک کودتای چپ را در یون ارتش بهانه قرار داد و به کشتار وسیع کارگران، زحمتکشان، نظامیان ترقی خواه و بویژه سرکوب و حشیمان معزب کمونیست و سازمانهای کارگری سودان پرداخت و بدین ترتیب راه را برای اقدامات ارتجاعی خود هموار ساخت.

همین امر موجب حمایت هرچه بیشتر امپریالیسم و مترجمین منطقه را از رژیم نمیری فراهم آورد. این تغییر تحولات در عین حال باردیگر و با وضوح تمام غیر مارکسیستی و ارتجاعی بودن نظریاتی را ثابت کرد که به تئوری راه رشد غیر سرمایه داری بهره‌بری نیروهای غیرولتری بدل بسته بودند.

سودان بزرگترین کشور قاره آفریقا است که در ساحل دریای سرخ قرار دارد. این کشور از موقعیت استراتژیک ویژه‌ای برخوردار است و برای امپریالیست‌های آرای اهمیت فراوان است. به همین دلیل، کشورهای امپریالیستی طی ۱۶ سال حکومت ارتجاعی جعفر نمیری در سودان نظام قوا به او یاری رساندند تا آنچنان حکومتی را برقرار سازد که نتواند کارگران و زحمتکشان سودان را استثمار و سرکوب نماید بلکه به مثابه بازاری نظامی امپریالیست‌ها علیه جنبش‌های انقلابی منطقه نیز بکار رود. طی دوران حکومت ارتجاعی نمیری سودان که خود از کشورهای آفریقایی با منابع ثروت سرشار است در وضعیتی قرار گرفت که مردم آن کشور جز محرومترین خلفهای جهان بحساب آمد و روزانه صد هائز بخاطر گرسنگی و بیماری در این کشور از پای درمی‌آیند.

جعفر نمیری که طی سالهای طولانی حاکمیت خود بر سودان با کلبه رژیم‌های ارتجاعی عرب روابط نزدیکی برقرار کرده بود چندین بار با سایر کشورهای منطقه از قبیل مصر، سوریه و لیبی عقد اتحاد بست. این اتحادها در عین حال که ظاهرًا با اندیشه‌های ناسیونالیستی و بهانه اتحاد ضد صهیون - نیستی صورت می‌گرفت در واقع هدفی جز ایجاد هماهنگی سرکوبگرانه علیه مبارزات توده‌ای توسط حاکم کشورهای یاد شده نداشت. آخرین نوع این معاهدات در سال ۱۹۷۶ بین رژیم ارتجاعی نمیری و سادات در آستانه رفتن سادات به اسرائیل اضاء شد که بر اساس آن نیروهای نظامی این دو رژیم در صورت لزوم می‌توانند به یاری یکدیگر بکوشند. اضاء معاهداتی از قبیل معاهده ۱۹۷۶ به رژیم جعفر نمیری که هیچگونه پایگاهی در میان زحمتکشان سودان

نداشت و از اوج گیری مبارزات توده‌ها در هراس بود در کداری می‌داد که در صورت لزوم نتواند نیروهای سرکوبگر را اخلاقی بلکه سایه و ولت‌های ارتجاعی منطقه به کمک او بستاند. ناراضی‌هایی توده‌های زحمتکش سودان از رژیم جعفر نمیری سابقه بسیار طولانی داشت این رژیم که با سیاستهای خود روز بروز به حاکم برجامعه سودان می‌افزود، حکومت سرنیزه را بر سر نوشت مردم سودان حاکم کرده و کلیه حقوق زحمتکشان سودان را از آنها سلب نموده بود. مبارزات اقلیت‌های غیر عرب و غیر مسلمان جنوب سودان برای تحقق حق خود مختاری در این کشور حد اقل به اندازۀ عمده حکومت ننگین جعفر نمیری سابقه دارد. در یک کلام رژیم نمیری، رژیم سرکوب، استثمار و بی‌حقوقی توده‌ها بود. تمام عوامل فوق دست به دست هم دادند تا زمینه را برای بروز یک قیام همگانی علیه رژیم نمیری مهیا سازند. کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی سودان برای مبارزه با این همه فئودالی حقوقی از وسال پیش مبارزات خود را علیه حکومت ارتجاعی جعفر نمیری تشدید کردند. در این میان مبارزات مسلحانه زحمتکشان جنوب سودان که از اواخر سال ۱۹۸۳ در اوج گرفت ضربات زیادی بر نیروهای سرکوب رژیم این کشور وارد آورد و عملیات غارتگرانه شرکت‌های امپریالیستی و از جمله یک شرکت نفتی امپریالیسم آمریکا را بی‌تعطیل گشاند. بطور همزمان در شمال کشور نیز موج توفند اعتراضات توده‌ها وحشت و نگرانی امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی سودان را فراهم آورد. بنا به توصیه امپریالیسم آمریکا رژیم جعفر نمیری به منظور تحقق توده‌های زحمتکش سودان و منحرف ساختن مبارزات طبقاتی در این کشور توسط سلطه سرکوبگرانه خود، با یک مانور حساب شده به برقراری جمهوری اسلامی در شمال سودان را اعلام نمود. امپریالیسم آمریکا و رژیم ارتجاعی نمیری امیدوار بودند که با مانور جدید بتوانند مبارزات کارگران و زحمتکشان سودان را منحرف سازند. در این زمان اتفاقا به اسلام در کشورهای تحت سلطه بعنوان تاکتیک جدید برای مقابله با رشد روز افزون مبارزات کارگران و زحمتکشان از طرف امپریالیسم آمریکا در دستور کار قرار گرفته بود و با توجه به نمونه جمهوری اسلامی این نسخه برای زحمتکشان سودان نیز تهیه شد. منتها این بار توسط خود نمیری! بنا برقراری قوانین اسلامی سودان نیز در هر که کشورهای درآمد که در آن شمشیر و سلاخ اسلام به یاری سرمایه‌داران شتافت و سر کرده و بهر زحمتکشان فرود آمد. ولی این نسخه نیز کار ساز نیفتاد. بحران اجتماعی حاکم بر سودان چنان عمیق و تصمیت‌دهنده‌ها به تحول در این جامعه چنان محکم بود که نمیری در لباس اسلام و با کمک مترجمین عوام فریب اخوان المسلمین نیز نتوانست جلو

رشد مبارزات توده‌ها را بگیرد. به همین دلیل پس از چندین این مرتجعین نیز قربانی خیانت‌های خود شدند. بحران انقلابی همچنان تعمیق می‌یافت و هر دم بر زرفای آن افزوده می‌شد. دیگر سرکوب سلاح زنگ زد های - بیش نبود. بوز قحطی و گرسنگی نیز بر شدت اوضاع می‌افزود. نمیری در آستانه خیزش اخیر برای جار مجوسی با زهم به آستان امپریالیسم آمریکا متوسل شده بود و در واشنگتن بسر می‌برد. کارگران و زحمتکشان سودان، با فریاد نمان و کارمخیا بان‌ها ریختند و علیه قحطی، گرانی و سرکوب شمار دادند. نخستین روزهای خیزش خبر از دستگیری ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ نفره بود. توده‌های خشمگین مراکز دولتی را، ایاج قرار دادند و بسیاری از میز بنزین‌ها را آتش زدند و شعار مرگ بر نمیری به همراه اعتصاب عمومی سیاسی از روز همین خیزش بسرعت بیرون جهید. ارتش چند آن مد اخله‌ای نکرد. همه اخبار درباره سرکوب پلیسی و محاکمه چند صد نفره بود. ارتش وظیفه کودتا را بعهده داشت. نمیری قبل از فرار به آمریکا نزد بکترین دست خود ژنرال رحمان را به فرماندهی کل ارتش و وزارت دفاع گمارده بود. عملیات سرکوبگرانه پلیس سودان - جلود ارت توده‌های بی‌خاسته نبود. تمام نظم حاکم در خطر افتاد بود. توده‌های سودان بطرف سفارت آمریکا راه پیمائی کردند و با گارد محافظ آن درگیر شدند. آمریکا از نمیری قطع امید کرده بود اورا سوار هواپیما به آسمان فرستاد و ژنرال رحمان قبل از آنکه پای نمیری به خاک هیچ کشوری برسد و احتمالاً هنگامیکه هواپیمای حامل او بر فراز آبهای بین‌المللی در پرواز بود که بمشابه ناچی ملت سودان در صحنه ظاهر شد و اعلام کودتا کرد. رهبر کودتای سودان گفت می‌خواهد حکومت انتقالی ملی مرکب از نظامیان و غیر نظامیان تشکیل دهد و در برابر همبستگی‌های خود سوگند یاد کرد که در قریب‌ترین انجام دهد. رژیم سودان تغییر نکرد. است حکومت در این کشور در میان سران ارتش دست به دست شده است. نزدیک به یک هفته از این کودتای ارتجاعی که تنها دفتر فرودشان در خیزش انقلابی توده‌های سودان بود می‌گذرد. بسیاری از رهبران رفیمست اتحادیه‌های کارگری و صنفی با اضافه رهبران اخوان المسلمین برای کمک به کودتایچیان در منحرف ساختن مبارزات توده‌ها بهمد آکره با ژنرال‌ها مشغولند اما اعضا با از سوی ژنرال رحمان بعنوان خیانت بزرگ اعلام شده است. در این مدت کارگران و زحمتکشان انقلابی همچنان به اعتصابات و مبارزات خود بوعزم گرایش‌ها سازشکارانه رهبران رفیمست اتحادیه‌ها ادامه میدهند. آنها در سپای زند آنها را گشود و زندانیان سیاسی را آزاد کرده‌اند. توده‌ها خواستار برچیدن بقیه ر صفحه ۱۶

**رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت**



# یادداشتهای سیاسی

## کودتای امپریالیستی در سودان

حاکم بر بسیاری از کشورهای عرب آن دوره در سایه احساسات شدید پان عربیستی و به دلیل حمایت بی قید و شرط امپریالیسم آمریکا و سایر امپریالیستها از رژیم اشغالگر اسرائیل نخست ظاهراً "بطرف کشورهای سوسیالیستی تمایل داشته و آنها نیز روابط دوستانه برقرار نمود. اما در بیری نیاید که رژیم نمیری با نشان دادن ماهیت واقعی خود در تمام زمینههای اقتصادی و سیاسی بمثابه یک جریان ارتجاعی، کشور سودان را بسوی وابستگی هرچه بیشتر به کشورهای امپریالیستی سوق داد. البته نمیری برای شدت بخشیدن به این بقیه در صفحه ۱۰۷

مبارزات انقلابی توده های سودان که در یکماه اخیر شدت اوج گرفته بود، سرانجام امپریالیستها و سران ارتش این کشور را مجبور ساخت تا بایک کودتای نظامی جعفر نمیری را برکنار نمود و مبارزات مردم را منحصر صرف نمایند. رهبر کودتا، ژنرال رحمان خود یکی از سران مرتجع ارتش و از نزد یکسری ستون دستیاران نمیری در یگانور پیشین این کشور بود. جعفر نمیری در سال ۱۹۶۹ یعنی سیزده سال پس از استقلال سودان بایک کودتای نظامی زمام امور این کشور را بدست گرفت. او و همپالکی هایش مانند دیگر کودتاچیان

## پیرامون درگیری های حزب دمکرات و کومله

بروز يك رشته درگیری های مسلحانه در بگر میان پیشمردگان حزب دمکرات کردستان ایران و کومله طی فروردین ماه در مناطق بانه، مهاباد و مریوان بار دیگر منجر به شهادت تعدادی از پیشمردگان این حزب و سازمان و زخمی شدن تعدادی دیگر گردید. این درگیری های مسلحانه میان این دو سازمان سیاسی کردستان که طی چند ماه اخیر ابعاد گسترده ای بخود گرفته است، جنبش انقلابی خلق کرد را که طی شش سال بلاوقته در برابر تعرضات ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی ایستادگی نموده است یاد شواری و ضربات درونی رو بر رو ساخته است. چرا که مساله امروز تنها بدین واقعیت ختم نمی شود که از بد اعتراضات پیشمردگان علیه رژیم بشدت کاسه شده و عملیات نظامی فوق العاده کاهش یافته است بلکه از این مهتر تضعیف درونی این جنبش از طریق ایجاد یک جنگ داخلی است که یک جنگ فرسایشی را به طرفین درگیر در این جنگ تحمیل نموده و نیروهای هر دو طرف را تحلیل می برد و از این طریق بروحیه مبارزاتی توده های مردم، بویژه بدلیل اهمیت مساله ملی در کردستان که بشدت وحدت طلبانه تاثیرات بسیار نامطلوبی برجای می گذارد.

این واقعات آنقدر روشن است که حتی حزب دمکرات و کومله نیز قادر به انکار آن نیستند. هر دو سازمان به نتایج زیانبار این درگیریها اعتراف می کنند. اما با این وجود درگیریها بلاوقته ادامه داشته است و هیچیک از طرفین درگیر قادر نیست راه حل قطعی برای پایان بخشیدن به این درگیریها و حل مسائل فیمابین به شیوه سیاسی و مسالمت آمیز ارائه دهد. علت این امر را باید در بحران رهبری جنبش جستجو کرد. واقعیت این است که نه حزب دمکرات و نه کومله علیرغم پایگاه توده ایی که در میان مردم کردستان دارند قادر به رهبری عملی و پیروزمند جنبش نیستند. علت این مساله به ماهیت طبقاتی این دو بقیه در صفحه ۱۶

**با کمکهای مالی خود  
سازمان رایاری رسانید**

## پیام همبستگی سازمان میر شیلی به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت پانزدهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

جزئی در ایران، نیروی انقلابی - اجتماعی را پایه گذاری کردند که از لحاظ سیاسی مادی و معنوی مسلح گردیده بود تا استراتژی جنبش انقلابی را بوجود آورد. آنها حزبی انقلابی را در نظر داشتند که از توده ها برخیزد و پیروان انقلاب را رهبری نماید. امروزه در امریکای لاتین سازمان هائی از این قبیل روح آزادخواهی قارمان را علیرغم خودخواهیهای امپریالیسم متحدینش کاتالیزه می نمایند. با وجود حرکات ضد انقلابی که از جانب امریکای حمایت و تحریک می شوند، نیروهای دمکراتیک و انقلابی امریکای مرکزی و شیلی با قاطعیت انقلابی و متحدانه، با دشمن مقابله میکنند. نه قدرت اقتصادی و نه قدرت نظامی غول امپریالیسم قادر نخواهد بود که پیرومردمان را در مان را متوقف کند. امپریالیسم از اینجا گذر نتواند کرد. امروزه در شیلی پس از مدت ها رکود طولانی، جنبش توده های کارگران دهقانان، جوانان، بقیه در صفحه ۸

رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران! جنبش انقلابی چپ شیلی "میر شیلی" در روزهای رفیقانه خود را بمناسبت پانزدهمین سالگرد تاسیس سازمان شما ارسال میدارد. تاریخچه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مانند تاریخچه "میر شیلی" و تمام سازمانهای است که در یک مقطع تاریخی با فراگیری تجربیات انقلاب پیروزمند کوبا بوجود آمده است. رهبران ما ارمانهای سوسیالیستی را که برای مدتها در دست بورژوازی و فرمیس قرار گرفته بود نجات بخشیدند و اعلام نمودند که فقط با انجام یک انقلاب پرولتری است که میتوان بترقی و عدالت اجتماعی دست یافت. فقط در یک جامعه سوسیالیستی است که بمردم اجازه داده می شود که آزادانه حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود را دنبال نمایند. از آن پس "میر شیلی" و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تصرف قدرت یعنی سرنگونی قهرآمیز و تبلیغ قدرت توده ای بمنظور مقابله با بورژوازی را آغاز نمودند. رهبران ما میل انریک در شیلی و بیژن

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق